

ایران چه در واردات و چه در صادرات همان سلوک و اصول مراعات خواهد بود که با تجار سایر ممالک متحابه معمول است -

فصل هشتم - جہازات تجارتی بحار دولتین متعاهدتین آزاد خواهند بود که به ادای حقوق لنگرگاهی وارد در هر بندر و دریا و دریاچه ورود حایجات که غالب عبور و مرور در آنها میشود آمد و شد نمایند - و حکام سرحدی بنادر لنگرگاهی برای جہازات تجارتی معین خواهند نمود - حقوق دریائی تجارتی دولتین متعاهدتین بهمان قراریکه در حق سایر کشتیهای تجارتی دول متحابه برقرار است برقرار خواهد بود، و قانون مجریه مملکتین را تجارت طرفین مراعات خواهند داشت، و بهمان وضعی که به سایر تجارتی دول متحابه رفتار میشود با آنان هم رفتار خواهد شد

فصل نهم - جہازات کبابی های دولتین متعاهدتین بادی حقوق دریائی تا وقتیکه در لنگرگاه های یکدیگر متوقفند مصون و محفوظ خواهند بود و همان قسمی که با سایر کبابیهای دول متحابه رفتار میشود با آنان سلوک خواهد شد و لوازمات جہازی و حرکات قسمی که بسایر جہازات دول متحابه داده میشود با آنان نیز داده خواهد شد تا اخراج جہازات از آب یکدیگر فصل دهم - درباره جہازات عرقی - دولتین متعاهدتین ملتزمند که انتظاماتی صحیح بجایند در تأیید و عجات جہازاتیکه از آن دیگر در آب آن واقع است - همین قسم رعایت ما در حق سرنشینان و عمهحت آنگونه جہازات هم خواهد شد - دولتین متعاهدتین متعهد میشوند که اگر جہازی در آب یکدیگر غرق شود در صیانت اموال آن جداً کوشان باشند چنانچه در این مواقع به جہازات مغروقی معمول به است - و باید قونسلات یا وکیلالتجاره آن نواح از اقدام مامورین آن دولت مطلع و آگاه شوند و مخصوصاً در محافظه و رد اموال جہازات عرقی باید با درست کاری و صحت چنان اقدام شود که به مایهت آب و یا سراز آن و در صورت عدم امکان به نمایندہ یا وکیلالتجار آن دولت کاملاً برسد

فصل یازدهم - دولتین متعاهدین منظور نمودند که انصران حکومتی نمیتواند حبراً در خانهای رعایای آنان و یا در دکان و تجارتخانهای آنها وارد شوند و اگر ضرورتی برای تلاش پیش آید باید در حضور نائبالحکومه یا نمایندہ آنان یا وکیل آنان این عمل را مجرا دارند، و هرگاه درجائی وکیل و نمایندہ آنان نباشد همان سلوکیکه در حق سایر رعایای دول متحابه میشود در حق رعایای آنان هم خواهد شد

فصل دوازدهم - قرارنامه های تجارتی که

بین رعایای دولتین متعاهدتین بشود قابل الاجرا شناخته خواهد شد و دولتین علیتین متعاهدتین در حفظ حقوق رعایای یکدیگر با دقت کامل سعی خواهند نمود - رعایای آلمان هر قرارنامه و کانتراهای تجارتی با رعایای ایران ببندند باید بصره دیوانخانہ ایران برسد و تصدیق حکومت محل را هم دارا باشد، ولی درجائیکه قونسل آلمان موجود باشد تصدیق او کافی شمرده خواهد شد، و اگر در مساملات تجارتی اختلافی پیش آید و قرارنامه و کانتراهای موجب مذکورہ فوق در دست نباشد بدون شہود کافیہ اینگونه دعاوی بسمع قبول نخواهد رسید مگر اینکه رعیت آلمان قبول کند آن دعوا را در مراجعہ بشہود، دولت آلمان نیز بر طبق قوانین مروجہ مملکت در حق رعایای ایران در اینگونه معاملات مراعات خواهد داشت و مانند رعایای سایر دول متحابه با آنان سلوک خواهد نمود

فصل سیزدهم - در هر منافشه و مرافعه ایکه بین رعایای آلمان در ایران واقع شود باید در عدالت العالیہ ایران یا در حضور نمایندگان آلمان که در آن نواح باشد فیصل یابد و بر طبق قوانین مابکی عمل شود، حکومت های محل را هیچگونه مداخلت در اینگونه مرافعات نخواهد بود - هرگاه مرافعه و منافشه بین رعایای آلمان و رعایای سایر دول در ایران پیش آید تصفیہ آن بعهده نمایندگان یا وکلای آنها خواهد شد، و هرگاه منافشه و مرافعه بین رعایای دولتین متعاهدتین در ایران پیش آید تصفیہ آن بر طبق قانون مروجہ بحضور قونسل یا ترجمان قونسلخانہ خواهد شد، و هرگاه از روی صحت امری تصفیہ یافت استنباف نخواهد داشت مگر اینکه قونسلات یا ترجمانهای آنان ضرورت استنباف را صحه گذارند، و آن استنباف در عدالتخانہ طهران یا تبریز یا اصفهان خواهد شد - در ازای آب با رعایای ایران در عدالت خانهای آلمان مایهت سلوک خواهد شد که بر رعایای سایر دول متحابه میشود - نمایندگان و قونسلات ایران در خاک آلمان در موقع حایه رعایای خویش دارای همان حقوق خواهند بود که نمایندگان سایر دول بزرگ در آلمان می باشند -

فصل چهاردهم - رعایای دولتین متعاهدتین در مملکتین هرگاه ورشکست شوند تمام مایهتشان بفروش رسیده و به تساوی بین طلبکاران شان تقسیم خواهد شد - هرگاه رعیت آلمان در ایران ورشکست شود فروش مایهت او باید در حضور قونسل آن نواح بشود و همان قسم با رعایای ورشکست ایران در آلمان سلوک خواهد شد

فصل یازدهم - هرگاه رعایای دولتین متعاهدتین در خاک آن دیگر رحلت نماید مایملک او بمخاواده یا همخان وی که سمت دوستی داشته باشند سپرده خواهد آمد، و هرگاه کسی را نداشته باشد با مراعات قانون ملکی به وکیل آن دولت سپرده خواهد شد

فصل شانزدهم - هر يك از رعایای دولتین متعاهدتین در مملکت آن دیگر مرتکب جنایات پلیسی شود بر حسب قانون مروجہ آن مملکت با وی سلوک خواهد شد

فصل هجدهم - دولت آلمان متعهد است که بر رعایای ایران تذکره رعیتی آلمان را ندهد و همین قسم دولت ایران متعهد است که رعایای آلمان را به رعیتی نگیرد مگر با اجازه دولتین

فصل هیجدهم - هرگاه جنگی بین یکی از دولتین علیتین متعاهدتین با دولت نائی پیش آید - هیچت از دولتین متعاهدتین مراعات این اتحاد شمولیت با آن نائی نخواهد نمود و هرگاه بین دولت ایران و دولت دیگر جنگ پیش آید و دولت ایران دولت آلمانا بکمک و تائید طلب کند دولت آلمان در تائید و کمک او ملتزم است خدمتی را که معین او گردد

فصل نوزدهم - دولتین متعاهدتین از یوم امضای این عهدنامه تا دوازده ماه در تغییر و تبدیل مواد آن مختار خواهند بود

فصل بیستم - پای بندی در مواد این معاهده چنانچه امپراطور آلمان هست دیوک (لکسبرک) نیز میباشد اگر در ادای کرک و عوارض منایرتی عارض نشود

فصل بیست و یکم - حکام و افسران و روسای کرکات دولتین علیتین متعاهدتین راست که حرفیاً این معاهده را دره وقع اجرا گذارند بدون هیچگونه تعللی - و این معاهده در هر سه یکجا یا زیاد تر در پترسبرگ امضا و مبادله خواهد شد و به تصدیق و استحکام خواهد در آمد -

این معاهده در پترسبرگ ۱۱ جون سنه ۱۸۷۳ بصره امپراطورین ایران و آلمان رسید دو چهار نسخه که دویزبان فارسی و دو در زبان فرانسوی باشد (صحیح هنری هتم برنس دی راس - عبدالرحیم) معاهده تجارتی و کشتی رانی بین امپراطور آلمان و شاهنشاه ایران در پترسبورگ صحه یافت که در فصل ۱۹ بموجب ذیل نوشته شده

« این معاهده از تاریخ امضا تا ختم ۱۲ ماه موقع تبدیل از طرف دولتین متعاهدتین دارد و دولتین بصواب دید یکدیگر میتوانند در مواد آن تغییر و تبدیل دهند »

دولتین متعاهدتین متفق اند که کم از کم این معاهده

تا ده سال بدون تبدیل مواد برقرار ماند (صحیح برنس بسارک - میرزا حسین خان) تاریخ ۶ جون سنه ۱۸۷۳

جبل المتین

درست اگر در مواد این معاهده باریک شوم خواهیم دید که رجال با سیاست قدیم ما ۳۷ سال قبل اوضاع امروزی را مشاهده کرده در نجات ما بخیال خودشان عقد چنین عهد نامه را نمودند، افسوس که رجال امروزی ما تاکنون نتوانسته اند از این گونه ودایع سیاسی بهره ور گردند، این معاهده هم سیاسی است هم اقتصادی هم کشتی رانی است و هم تادرجه سوق عسکری. این معاهده آب های ایران و رودخانه جات آن را از احصار کشتی رانی يك دولت مصون میدارد، این معاهده دعاوی کسانی که میخواهند دریای خلیج فارس را مرداب و حق کشتی رانی و بلکه همه چیز آنرا بخود منحصر سازند باطل میکند، این معاهده جمیع حقوق تجارتی و کشتی رانی و سیاسی که دولتین روس و انگلیس بر روس سلطای دراز تحصیل نموده یا بنماید به آلمان بدهد. این معاهده دعوی حق محافظه که دولتین روس و انگلیس به ایران میبایند باطل میسازد. هرگاه درست دقت شود دیده خواهد شد که مرحوم مشیرالدوله میرزا حسین خان سپه سالار (که رواش شاد باد) چه نکات دقیقه و چه ملاحظات باریک در این عهد نامه نموده است، و چقدر مغز تربیت شده و کله پر سیاسی داشته که امروزه ایران را دیده و چنین معاهده را با اول دولت دنیا (آلمان) بسته است - ملاحظه همین يك نکته که تعین نمایندگان رسمی آنان باشد یکی در مرکز و دیگری در سرحد جنوبی و سیدی در سرحد شمالی، برای نگرانی از همسایگان جنوب و شمال درجه سیاست و بیداری مرحوم مشیرالدوله را (که هماره این نامه ملی معرف او بوده) بخوبی ثابت میدارد. افسوس که رجال کنونی ما تا امروز نتوانسته اند از تدابیر آن مرحوم فائده بر گیرند، بلکه بدبختانه این گونه معاهدات که بر حسب مقتضیات کنونی اساس استقلال ایران بروی آنها نهاده شده کان لم یکن تصور کرده بیفایده و نتیجه گذارده اند، و این بدبختی که بایران روی نموده نیست مگر بواسطه مرعوبیت بجا و عدم سیاست و دانش رجال ما -

امروز موقع آن رسیده است که کابینه وزراء و وکلای مجلس مقدس ترک مرعوبیت میشوند و از دانش رجال با سیاست قدیم خود (که سبب عقد چنین اتحاد بر زوری با اولین دولت دنیا شده) فائده بگیرند، و دولت

آلمان را بر حسب همین معاهده خصوصاً فصل هجدهم آن که تدریجاً حکم معاهدات سوق عسکری را داراست بطرف خود جلب نموده خویش را از فشارهای غیر قانونی دو همسایه شمال و جنوب نجات بخشند. و اگر در ایامی که مازک ایران از جلب فائده ایگونه معاهدات محرم مانند گویا نتیجه بهره‌ریشه استقلال خود زده و چنین معاهده زنده را خواهند میرایند. و هرگز تصور نمیشود که اگر ایرانیان بای بندی بمواد این عهد نامه و از آلمان بخواهند دولت آلمان با و امتناع نموده انحراف از مواد این عهد نامه جوید. چه همین قسم که این عهد نامه بحال ایران مفید است بیشتر بحال آلمان فائده بخش است. و اگر بدعت ملاحظه شود تاکنون ایرانیان از این عهد نامه محای بردن نفع از آلمان نفع نماندند و آلمان اندازه از این معاهده فائده گرفته که پیش در این موقه که بعد از این و بعد از این پیش موع برداشتن فائده برای آلمان از این عهد نامه رسیده است و بر فرض بحال که ما آلمان را برای پی بندی بمواد این عهد نامه خصوصاً فصل هجدهم آن طلب نموده از تأیید ما گذارد جوید ما هم میتوانیم که ترک مواد این عهد نامه تنافع آلمان زیانات عظیمه رسایم.

سیاسیون میدادند که جمیع صدمات و زحمتی که ما از همسایه شمال و جنوب امروزه داریم بواسطه دوستی و عهد اتحادمان با آلمان است. در صورتیکه آلمان از بای بندی بمواد این عهد نامه انحراف جوید و ما مجبور بسازش با همسایگان خود شویم بقدری است که فشار ما کمتر خواهد شد. و ما هرگز تصور نمیکند که مقتضیات سیاست اجازه انصراف از مواد این عهد نامه تا آلمان بدهد (گر کدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست) در صورتیکه ما با این عهد ضرورت و منتهای حاجت آلمان را دعوت بای بندی بفصل هجدهم این معاهده تمام آلمان بجز استحقاق می‌تواند در کارهای ما شمولیت پیدا کرده دحالت کند « هر که را سر سوزد کلاه دوزد »

معاهدت و وزراء و اطلاع آلمان ایران را باین روزه سیاه انداخته اگر بازم ترک مرعوبیت بگویند آخرین خط بطلان بر استقلال ایران کشیده خواهد شد ما ابناء وطن خود و وکلاء مجلس را اطمینان و بشارت میدهمیم که اگر آلمان ترک مرعوبیت گفته و یک مسلك صحیح سیاسی اتخاذ نموده دقت در معاهدات خود با دول سائره بنمایند. هم خود را بای بندی بر آن دانند و هم آلمان را بای بندی بمواد معاهدات بخواهند همسایگانشان تا این درجه

بر آنان فشار نتوانند آورد. باز هم با کمال قوت قلب می‌گوئیم و باباء وطن محبوب خود اطمینان میدهمیم که عروه (از سایر امور) استقلال ایران بر حسب معاهدات ما دول بزرگ از خلل و زوال محفوظ است. و آنچه ما باخته و بیازیم از شامت مرعوبیت وزراء و محوست بی‌اطلاعی و کلاست که مات را دوچار ناس و ناامیدی ساخته سبب جسارت و اجحاف همسایگان گردیده است. اگر وکلا و وزراء ما ترک مرعوبیت گفته نبلی را کنار نهاده مرور بمعاهدات خود شان با کلیه دول بنمایند. با یک مسلك سیاسی صحیح میتواند با کمال متانت همسایگان خودشان را پیش بای خود نتواند استقلال شش هزار ساله ایران را محفوظ دارد. ولی افسوس که مرعوبیت چنان شش بد رحل ما را گرفته که در قبال روس و انگلیس حرثت اینکه بگویند ما با دول سائره هم معاهده داریم. و یا بنمایند که فلان حرکت شما مخالف با فلان بند معاهده است ندارد. بد بخانه که های سیاسی هم که نتواند از معاهدات مطالب فهمیده دیده بآورد نیز صراع داریم این است که مکرر در آندوره مشروطه و این دوره نوشتیم که اشد ضرورت ایران بحال یک مستشار با فاضل قانونی و حقوقی است و تصور نمیکندیم که بدون مستشار قانونی و حقوقی رجال کنونی ما نتوانند از مواد عهد نامه حث خودشان فائده بر گیرند. ما می‌نوئیم که فقط معاهدات حفظ استقلال یک مملکت تواند بود. ولی من قدر تصدیق داریم که بمقتضای امروزه ایران معاهدات بزرگترین اثرات را در عوالم سیاست و رقابت دول داراست. باین گونه معاهدات و ادله ترمیمی در قوای دولت و ترک مرعوبیت و اختیار یک مسلك سیاست صحیح و رفع تبدلی و ست عنصری میتواند استقلال ایران را محفوظ داشت. و اگر موفق شدیم برای جلب توجه وکلاء برخی از عهد نامه جات دولت را هم با دول سائره اشاعت خواهیم داد و امید داریم که رجال با سیاست و وکلای باداش زحمت ما را هدر نخواهند و بی‌اثر و نتیجه نگذارند. فارسی این معاهده در وزارت خارجه موجود است. ما ترجمه از روی نسخه فرانسوی نموده‌ایم و چون ترجمه فرانسوی در این جا بی اشکال نیست. ممکن است برخی از الفاظ بجای خود نه نوشته باشد و این نکته را نا گفته نمی‌گذاریم که چنان تصور نشود که این معاهده برای ده سال بوده و مدت آن سر آمده است. این معاهده تا کنون باقی و دولت آلمان دارد از مواد آن فائده بر میگردد چنانچه دیروز بود که بر حسب فصل سوم این معاهده قونسل مخصوص به بو شهر فرستاد

(عین جواب یاد داشت دولت علیه ایران)

(بوزیر مختار انگلیس)

(مورخه شهر شوال ۱۳۲۸)

از مضمون مراسله شریفه آن جناب جلالتمآب مورخه ۱۰ شوال ۱۳۲۸ که از وضع طرق و شوارع جنوب ایران اظهارات فرموده بودند استحضار حاصل کرده اینک با کمال احترام زحمت افزا میشود که اولیای دولت فخریه انگلیس کاملاً مستحضر و از روی کمال انصاف مقتضی است تصدیق نمایند که اولیای دولت علیه ایران از سنه ماضیه بعد از زوال هرج و مرج سابقه زمام مملکت را در چه حالت در دست گرفته در صورتیکه تمام اوضاع و دوایر مملکت در شدت انقلاب و بخصوص امور مالیه و اساس امنیت و آسایش عمومی نهایت پریشانی را داشت با آنکه روز بروز بموانی چند از قبیل اقامت دستجات قشون خارجه در داخله مملکت که باعث هیجان عامه و دست آویز تحریکات و افساد اشخاصیکه از هرج و مرج سابقه استفاده مینمودند و چه واقعات دیگری مشمول وقایع قراچه داغ و اردبیل و زنجان و مازندران و رامین و غیره که دائماً استمداد دولت را در چند نقطه مشغول داشت دو چار می شدند، از آن تاریخ تا کنون از خبلی جهات امور مملکت پیشرفت نموده و رو به بهبودی گذاشته ولی بدبختانه هنوز در بعضی نقاط فساد اشخاصی که برای استفاده میل دارند مملکت بهمان حالت هرج و مرج دوره سابقه باقی بماند به ترتیبات ذیل در کار باقی و کایه مرتفع نشده است.

مثلاً بعضی اشخاص پس از ارتکاب فتنه و فساد در بعضی از سارتخانه ها تخن جسته و پس از آن باستظهار طرفداری خود را از بنجید که معمول به تخمن است مصون دانسته و در داخل و خارج محوطه سفارت افساد مینمایند و یا بنا برین دیگر که عدم حقیقت اغلب آنها هیچوقت مورد بحث نبوده از قبیل حمایت (پروتژ) خودشان را مامون دانسته و از هیچگونه تحریک و تولید فتنه خودداری نمی نمایند و همچنین اشخاصی که خود را ظاعرا در میان مردم تبعه ایران فلم داد، ولی باطناً باستظهار تابعیت خارجیشان با کمال تجری و دلگیری مرتکب جنایات شده و بعد از آن بعنوان تبعیت از تسلط حکومت خارج میشوند.

و نیز اشخاصی که تبعه مسلمة ایران بوده باطناً به بعضی عنایین غیر حقه تشبث بتابعیت خارجه کرده و در تولید فتنه جسورانه اقدام مینمایند، این ترتیبات که بی نهایت اسباب زحمت دولت و آشوب مملکت شده است و نیز بنای اقامت دستجات قشون خارجه بعضی را بخیمال فاسده اعاده وضع قدیم انداخته و بی اساسانه آنها را امبدوار میسازد و این مسئله طبیعتاً گذشته از آنکه از حیث ملاحظات و مقتضیات داخله فوق العاده جالب توجه و دقت اولیای دولت است مایه نگرانی و افسوس است که امتداد این حالت قهراً سبب لطمه و زحمت تجارت بین اطباع ایران و انگلیس در ایلات جنوبی میتواند باشد.

بعقیده اولیای دولت علیه ایران علت عمده این حال ناگوار علاوه بر دل مذکوره سوء تاثیرات توقف دستجات قشون خارجه قلت و تنگی مالیه است که از بناج سوء اعمال و بی مبالائی دوره سابقه برای دولت علیه باقی مانده است، و چنانچه این سوء تاثیر و عسرت مالیه در میان نبود قوای نظمی که فعلاً بجهت دولت موجود است برای استقرار نظم کافی می بود، و استقرار امنیت طرق جنوبی فی حد ذاته اشکالی نمیداشت، ولی چنانچه در فوق اشاره شده است همانا بواسطه تنگی و قلت مالیه که دولت هنوز بمقصود اصلی خود که ازدیاد امنیت است نایل نشده و چنانچه در مراسله جوابیه نمره ۶۴۰۲ مورخه ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۸ مطابق ۱۷ آوریل ۱۹۱۰ آن جناب جلالتمآب را متذکر شده است دولت جدید در بدو تاسیس در بروگرایی که بمجلس شورایی ملی پیشنهاد نموده مقداری از مساعدت و استقراض که در نظر داشت اختصاص بوسایل ازدیاد امنیت طرق و شوارع داده بود، این بود که در باب مساعدت استقراض بتوسط وزیر مالیه و وزیر خارجه آنوقت مذاکراتی با آن جناب جلالتمآب بمیان آمده و بموجب مراسله مورخه پنجم صفر ۱۳۲۸ مطابق ۱۶ فوریه ۱۹۱۰ در جواب این تقاضای دولت علیه شرایطی از طرف دولت انگلیس برای همان مختصر مساعدت پیشنهاد شده بود که قبول آن یا استقلال مملکت که اولین وظیفه هر دولت است منافات داشت نظر باین مراتب دولت علیه برای تهیه وجه فکر ترتیبات دیگر افتاد، در این بین مراسله مورخه ۳ ربیع الاول

۱۳۲۸ مطابق ۱۶ مارس ۱۹۱۰ آن جناب جلالتاب در باب سندیکات بین‌المللی بدولت علیه ایران رسیده و باعث مذاکرات و تبادل مراسلات شد که تحصیل وجه را که در واقع وسیله از دیاد امنیت طرق و شوارع بود بناخیر انداخته ، و از طرف دیگر علاوه بر اینکه مذاکرات و تبادل مراسلات مذکوره تولید اثراتی کرد که باعث انتقال اولیای امور شد خلجانی هم در اذهان عامه ایجاد کرد که نتیجه آن بمرور اوضاعی است که خود آن جناب جلالتاب در مراسله اخیر اشعار داشته‌اند ،

در این صورت خاطر نصفت معاصر آن جناب جلالتاب گواهی خواهد داد که اگر در بدو تاسیس دولت جدید در باب تحصیل وجه این اشکالات بیان نیامد ، بود برقراری امنیت کامله برای دولت علیه خیلی سهل تر از امروز میسر میشد ، با وجود این دولت علیه از مقصود خود آن منصرف و برای نیل باین مقصود تیره وحشی از راه دیل در نظر دارد با هیئت در خصوص قروض تازه بانک شاهنشاهی با تمیز معتدل تری مشغول مذاکرات است ، و عقیده دولت علیه ایران است که از این راه مبلعی عاید خواهد شد که بتواند ماحلاً حلوگیری کامل از فساد و تحریکات بجاید و دولت ایران تأمینتی که در مقابل این قرض در نظر دارد همان تأمینتی است که در مقابل قرض سابق خود بانک شاهنشاهی از بابت عایدات کمرکات جنوبی مقرر بوده است ، و با براین بهیچوجه خللی بر تأمینات سایر قروض ایران نمیرساند ، و بطر بتوحشی که اولیای دولت ایران بمسئله امنیت فوری طرق تجارتی دارند مخصوصاً خیلی موقع میداند که عمده مخارجی که برای از دیاد و امنیت طرق و شوارع فعلاً لازم است از وجوهی که بواسطه این معامله حاصل خواهد شد بجایند ، و بدولت انگلیس اطمینان میدهند که بواسطه این اقدام مایه بهیچوجه در جریان قرض سنه ۱۹۰۴ هندوستان خللی واقع نخواهد شد ، بنا بر این دولت علیه اطمینان کامل دارد که نظر بگمرانی خود آن دولت در مورد پیشرفت تجارت از طرف دولت انگلیس اقدام مایه را که دولت ایران بیشتر برای این منظور در نظر دارد بحسن توجه مقرون نمایند ، و ضمناً لازم است که این نکته را خاطر نشان آن جناب جلالتاب نماید

که چون دولت نمیتواند همه ساله بواسطه استقراض بی در پی احتیاجات خود را ايفا نماید باید در مقابل هر احتیاجی محلی تهیه کند ، و بهترین محل که امروزه باوضاع کنونی ایران وفق بدهد و يك قسمت از مبلنی که برای مصارف ژندارمری لازم است تهیه نماید همان اشعاری است که در مراسله اخیره راجع باز دیاد ده يك حقوق گمرکی آن جناب جلالتاب فرموده‌اند ، ولی چون ترتیبی که در مراسله مزبوره اظهار شده باستقلال مسلمه دولت علیه و مناسبات و داد و يك جیبی که تا این وقت بین این دو دولت معمول و مرعی بوده منافی میباشد و دولت ایران هیچوقت و در هیچ صورت نمیتواند تصدیق نماید و چون از طرف دیگر دولت ایران نگرانی اولیای دولت انگلیس را راجع بخطوط تجارتی جداً در نظر گرفته است ، بنا بر این دولت علیه رعایت حفظ استقلال خود را با رفع نگرانی اولیای آن دولت در این موضوع توأم دانسته و صلاح میداند که این حقوق ده يك را خود دولت علیه از کمرکات گرفته بمصارف لوازم از دیاد امنیت رساند ، و اولیای دولت علیه توسط آن جناب جلالتاب از اولیای دولت انگلیس حواستار میباشند که در انجام این مقصود مساعدت فرموده و این تمناى اولیای دولت علیه را که برای از دیاد منافع تجارتی است و دولت علیه انجام آن را بجهت حفظ همان امنیت که اظهار فرموده اند از لوازم میداند بحسن قبول تسریع فرمایند ، و قبل از اینکه کابه منکر شود که هیچ لازم میداند که برای اثبات عدم اعلمه تجارت توجه خواطر اولیای دولت انگلیس را بطرف فزایش فوق العاده که در عایدات کمرکات جنوب حاصل شده جلب نماید و بدون اینکه کابه منکر شود که هیچ نوع زحمت و اشکالی در این اواخر برای وسایل تجارتی بین ایران و انگلیس دره یاب نبوده مسلم مبادارد که در مقابل استانتک عایدات گمرکی واقماً خسارت تجارتی متوجه اتباع آن دولت نشده بلکه قریب یکصد هزار تومان که بر عایدات گمرک عربستان در سنه قوی نیل نسبت بسنه سابق اضافه شده است و در هذالسنه بطور فوق العاده در ترقی است دلیل ناتی است بر اینکه تجارت جنوبی فقط از مسیر سابق خود موقتاً منحرف گردیده است و حق بر کابه

واردات تجارت ایران در سه طایفه قریب صدی نوزده اضافه بر سه بیسی میل شده است ، و در پنج ماه هذالسنه از قرار صدی بیست و پنج افزوده شده ، نظر بمراتب مذکوره در فوق بقید: اولیای دولت علیه برای اتباع خارجه از جهت تجارت با ایران محل شکایتی نمی ماند

تعاونوا علی البر والتقوی

سبب ضعف و بریشانی دولت و ملت ایران نفوذ همسایگان است ، نفوذ بهمرای تجارت وارد ایران شده و تجارت بواسطه رغبت عامه رواج یافته پس سبب ضعف و بریشانی ایران فقط رغبت عامه است به امتعه خارجه لاغیر ، و تأیید میکند این سخن را خطابه غلادستون که در پارلمنت انگریز اظهار داشته بود ، اردوهای مسلح و مکمل ما جبهه تسخیر ممالک مشرقیه بواسطه صناعت و تجارت ما همواره در حرکت است و احتمال مغلوبیت از برای اردوهای ما ابدأ متصور نیست ، و هر یک نخی از نخیهای منسوجات ما را در جریان نفوذ ما بر ممالک مشرقیه مدخلیتی هست ، مفهوم این خطابه معین میکند که هر نخی از نخیهای سرمر شاهی را در ضعف و بریشانی دولت و ملت ایران مدخلیتی هست و مصداق اردوی سیاره و توپ و تفنگ بر صدا همین است ، و دروازه که این اردو داخل مملکت شده موسوم است بدروازه رغبت عامه ، اگر ملت ایران این دروازه را بسده قناعت مسدود سازد این اردو را مدخلی نخواهد ماند ، مملکت از غایبه اجنبی محظوظ خواهد بود و در هیچ قانونی از قوانین ملل در رغبت اختیاری و استعمال امتعه مخصوصه اجباری درکار نیست ، و هیچ دولتی نمیتواند اصولاً و قانوناً افراد ملت خود را در رغبت ایشان باستعمال متاعی دون متاعی مجبور سازد ،

فعلی هذا علت تامه نفوذ همسایگان و ضعف دولت ایران خود ملت است که به جاذبه رغبت نفوذ ایشان را بسوی مملکت جذب و جلب نموده ، چیزی که دارای جاذبه باشد دارای دافعه هم خواهد بود ، ملتی که جذب نفوذ اجانب کرده رفیع نفوذ هم با اوست ، هیچگونه سلاحی در این مدافعه لازم نیست مگر تعقل و اصراض و قناعت ، و ضرور نیست در این مدافعه اتفان عموم ملت زیرا که ایشانهم

یک مرتبه حمله نکرده اند ، امورات دنیا کلاً مبنی به تدویج است هر فردی از افراد ملت بر حسب کیفیت غیرت دینی و ناموس و ملی و وطنی مکلف است که یک جزئی از احتزای نفوذ ایشان را از مملکت دفع نماید ، مهیا آنکه حق المقدور بحسب الوسع والطاقه هر چند بصرف رغبت از یک نخی باشد لازم نیست ، در این امر انجمن نمودن و مجلس معاهده کردن (یا ایهاالذین آمنوا علیکم انفسکم) این اقدام و تثبیت باید قره الی الله بوده باشد از برای حفظ دین و ثنور اسلام و وقایه مسلمین و تقویه دولت اسلام و مدافعه از هجوم کفار ، هر کس در خلوت دل خود معاهده یا خدایه خود بکند بهروجه که میتواند از عهده بر آید از امتعه خارجه برخود حرام نماید ، هر چند که بترک استعمال یک دستمال منسوج فرنگ باشد ، اگر روی هم رفته هر نفسی بقدر یک تومان در استعمال امتعه خارجه قناعت نماید هر سالی سی سکرور تومان از تجارت اجانب کم میشود و به اندازه آن از نفوذ ایشان محو خواهد بود ،

بیع وشرای چیزی که سبب قوه کفار و ضعف اسلام بوده باشد شرماً حرام است و عقلاً هم قبیح است ، زیرا که بمنزله سلاح جنگ بدشمن دادن است ، عمداً خود را باسیری سپردن است و بدست خود خود را بیست کشتن است دانسته خانه خود را سوختن و اولاد خود را بدست خود سر بریدن است ، عموم ملت باید از موازنه تجارت ایران با خارجه غفلت نکنند ، موجب موازنه صحیح سن پارس ایل ۱۳۲۰ واردات از خارجه به ایران پنجاه و چهار کرور و نیم بوده ، و صادرات از ایران بخارجه سی و هفت کرور تومان بوده است ، و در سال مزبور چهارده کرور نیم تنها از تجارت جلی خالی داشته ، و طلا از مملکت خارج شده و همه ساله یک کرور تومان بر واردات افزوده میشود و غیر از علاوه واردات و مصارفات ارکان دولتی و خرید اسلحه لشکری و غیره خارج از حساب مذکور است ، و از ملاحظه این حساب حال ملت و دولت ایران در آینده در نظر ارباب بصیرت عیان و مستغنی از وصف و بیان است ، و از برای بصر ملت کلیات امتعه خارجه و داخله را ذیلاً می نگاریم تا ملت بدانند که غالب

امته خارجه که مصنوعیه و قابل نقصان نیست و غالب
امته داخلیه محصولات طیبی و قابل نقصان است .
و شاید بواسطه خشک سالی یا اعتشاشات مملکتی
نقصان پذیرد .

کلیات امته خارجه که واردات مملکت است که
تماماً لایسوس و لایفنی من حوع است .

ملبوسات ، ریسان ، دواجات ، ادویه جات ،
خرازی ، فلرات ، چرمینه ، چینی آلات ، بلوراسبات ،
ورشو آلات ، قند و نبات ، جای ، کالسه جات ،
مشروبات ، کاعذجات ، شمع وعت ، اسلحه ، مبل ،
کلیات امته داخله که صادرات از مملکت است
تماماً ما دیات است -

میوهجات ، حبوبات ، پوست و چرم ، ماهی
نازه و نمک خوار ، تنباکو ، توتون ، ببه ، قالی
و اقسام او ، تریاک ، اربشم ، پشم ، صمغبات ،
جنوب و سنگ آلات ، -

تبدیل موازنه تجارت بسته به همت افراد ملت
است که صناعت و زراعت و فلاحات مملکت در
صدد ترقی بوده و از استعمال فضول امته خارجه
اعراض باید و قدر ضرورت استعمال او را حایز
دارد تا مگر بر تبدیل موازنه موفق باشند ، آخر
احتیاج تا یکی و حقارت تا بچند ، چرا باید ما در
بیان عمل بهیرتی و ست عصی مذکور باشیم و
چرا باید دیات اسلام به منافات تمدن به قلم برود ،
حال آنکه

آبادی بخانه زویرانی ماست
حمیت کثر از بریشانی ماست
اسلام بذات خود ندارد عیبی
هر عیب که هست در مسلمانان ماست

بکارنده بر یادداشت دولت انگلیس مینویسد

حرا ندر ترکی اسلامبول در ضمن تقبده التیام انگریز
مینویسد که دولت انگریز میگوید که از خود ولایات
جنوب ایران ترتیب عسکر نموده و در تحت فرماندان
ضباط و افسران انگریزی در تمام مملکت گماشته میشود
که دولت انگریز با آن کیاست و سیاست که دارد
بدون تمهید مقدمه هرگز روا نمیدارد که چند نفر
افسران او داخل یک مملکتی و یک خاک که اهالی
آن طبعا و خلقا و مشربا و دینا و طادتا و عقیدتاً
بر ضد ایشان است بوده باشد، و در میان ملتی که

از بروز معاهده و اتحاد انگریز با روس در تقسیم
نا مشروع مملکت شان و خاصه بعد از تقدیم این
التیام عموماً از ایشان تفر دارند حکومت و
فرمانروائی بکنند ، زیرا که محال است دو بیست نفر
مذور در میان ده میلیون نفوس ترکی که ایشان را
دشمن و عدو خود میدانند بخوشی و ریاست زندگانی
نمایند و این حرکت در صورتیکه بدون تمهید مقدمه
بود ، باشد کمال تهور و بی ملاحظهگی است و تهور را
ابدأ در طبیعت انگریز هرگز نمیتوانیم قائل بشویم
این فکر ما حکم میکند که دولت انگریز با رؤسای
جنوب بحرمانه ساخته و به نشان و رتبه و وعده و
وعید مقدمات کار را باطناً برداشته و بعد از انجام
مقدمات علانیه بر کابینه ایران ناخته .

مانند توانیم افکار جرائد ترکی را بکلی تصدیق نمایم
زیرا که از رؤسای جنوب بواسطه دیانت و غیرت دینی
و وطنی و ملی ایشان ما مونیم و با انگریز بحرمانه
ساختن و از برای دو روزه عرت ووهومی و حال
آنکه ذلت است از حفظ دین و بیصه اسلام صرف
بهر نموده و در دیوان رب العالمین در محضر حضرت
ختمی مآب سر افکنده و شرمسار و مبتلائی
عقوبات اندی بشمار و در تاریخ روکار به ملعنیت
و بدنامی گرفتار بودن را ابدأ راضی میشوید ، آیا
ویشخندهای انگریز در پیش اینها از خدا و رسول
و ائمه و دین و مذهب و وطن و ملت عربی تر
است حاشاء ! کلا ! ما نعلم منهم الا خیراً و ما نظن
بهم الا حسناً

مکتوب انجمن اخوت بغداد

در حق تعذبات و التی میتم انگریز هر کسی را
فکری است و فکر آزاد است و (اخوت) بران فکر
است که ایران مال ایرانی است ، ایران ملک کیابسته
یادگار ساسانیست ، مرزوبوم اشکانیست ، و از شش هزار
سال قبل به اوت صحیح یدأ بید و خلفاً عن سلف
بدست اولاد حایه رسیده و ملک طلق و مال خاص
اولاد ایران است ، و در هر طبقه از طبقات شش
هزار سال سرداران غیور و نامداران جسور این
ملک را از دست برد اجانب نگاهداری کرده اند
و به خلف های خود سپرده اند ، و اگر هر پنجماه
سال یک طبقه فرض شود صد و بیست طبقه ایرانیها
این ملک را محوظانه به طبقه حایه رسانیده اند و از

کجا مقولست که سابقه حاضره از سرداران غیور و نامداران جسور خالی بوده باشد و ملک ایران در این شش هزار سال هیچ آبی و دقیقه از دشمن حریص و طماع خالی نبوده، مع ذلک نتوانسته اند استقلال ایران را محو کنند، و بالطبع والیقین چون اولاد ایران حاضره اولاد همین صد و بیست طبقه ماضیه است که ملک و استقلال خودشان را محفوظ داشته اند البته باز نخواهند گذاشت که اجنبی در ملک ایشان بر ایشان سلطنت و حکمرانی کند، این طمع دولتمن خیال خام و امر نافرجام است، دولت روس غره نباشد که رحیم خان قره دانی و بعضی از خوانین شاهسوخت و رخی از رؤسای ترکمانان باو قول معاونت داده اند و انگریز غره نشود که به جناب مردهار ارفع نشان ورتبه و لقب فرستاده و با جناب صولةالدوله قوسول شیراز مراوده نموده و حکمران بنادر انگشت گردان او شده، لا والله، لا بالله، روزی که بمقدمات تصرف شروع شود معلوم شود که در چه کارند همه،

اینها همه شان مسلمانند، ایشان همه شان اولاد ایرانند، ایشان همه شان حفظ بیضه اسلام را جان نثارند غیرت اسلامی و حمیت دینی و ناموس وطنی دارند، راضی نخواهند شد که وطن و دین ایشان در تحت تسلط اجنبی بوده باشد

هیات هیات لما نوعدون - بی اگر معاذالله

سوء ظنی در حق سرداران و نامداران وطن بکنیم و به سکوت و سکونت آنها دل خود را راضی بنائیم و بگوئیم که ایران بدست اجانب خواهد افتاد، ایران حالیه و حاضره بدست اجانب نخواهد افتاد بلکه يك ویران، اوقیانوس خون، و خالی از سکنه که يك متنفسی دواو باقی نماید بدست اجانب خواهد افتاد و ایرانی این قضیه را يك تامداری ابدی تاریخی و نکتای سرمدی و غالبیت باطنی از برای خود و يك یادگار ملضت ابدی و وحشیت تاریخی از برای متجاوزین می شمارد.

دولت جاوید یافت هر که نکو نام مرد
کز عقیبش ذکر خیر زنده کند نام را

شیراز

بواسطه یادداشتی که دولت فخریه انگلیس بدولت
علیه ایران داده و در نامه مقدسه که آئینه

افکار ملت است درج شده بود اهل فارس با همه بی حسی و موانع که خاطر مبارک مستحضر است جوش و خروشی کرده بندگان حضرت مستطاب آیه الله آقای میرزا متع الله المسلمین بطول بقا جمعی دو منزل خود فراهم آورده اعیان و علماء و تجار را از هر طبقه فراهم آورده عقد اتحادی بین ایشان بستند و ضمناً گوش زد فرمودند که هر کس تخلف از این اتحاد نماید با تمام قوای باو طرف شوند و مخبرات عدیده و پروتسهای لازمه بدارالشورای کبری و مراکز لازمه فرمودند، الحق از این حس اقدام حضرت آیه الله اهالی فارس و احرار کال داکرمی و تشکر را دارند، یکفرد اعلان هم که از طرف حضرت آیه الله در باب مسئله یادداشت شده بود لفاً افراد حضور مبارک گردید

الاحقر خادم الشریعه محمد حسین

اعلان مطبوعه در شیراز

(دستخط حضرت مستطاب اجل عالی آیت الله)

(آقای آقا میرزا ابراهیم دامت برکاته)

الاسلام یعلوا ولا یملی علیه، امروز نظر بضعف قوای مادی و معنوی اسلامیان و نفاق داخلی بلاد اسلامی دشمنان حقیقی اسلام در صدد افتاده اند که استقلال مذهب و مملکت اسلام را مضمحل نموده و اسلامیان را در زیر زنجیر عبودیت خود بکشند، در این روز که مجال بر مسلمین تنگشده هرگاه خدای ما کرده بهمین حال حالیه باقی باشیم و بخود مبتلا و متفرق در هوا و هوس کردیم نام و نشانی از اسلامیان باقی نخواهد ماند و هم نفرت و غضب خداوند و صاحب شریعت مطهره را بخود جلب و از خیرات دنیوی و اخروی محروم خواهیم بود، هرگاه اندکی نظر بحالات برادران اسلامی خود که در ترکستان، و قفقازیه، و قازان، و هندوستان، و تونس، و الجزایر، و مراکش، اقامت دارند که در تحت تسلط دول اجنبی زیست میکنند بنائیم و صدماتیکه آنها از تسلط اجانب می بینند بدقت فکر کنیم در اینموقع مجال بی مبالائی نخواهیم یافت، امروزه که قریب یکسال و نیم است عساکر دولت روس آذربایجان و سایر بلاد را اشتغال کرده اند اقداماتی را که در ظرف این مدت مرتکب شده اند هرگاه بشنومیم با نصب اسلامی تحمل نتوانیم کرد،

و منتظر اقدامات اسلام پرورانه ایرانیانند، ان
تصروالله ینصرکم

(از قصر بشیراز نمرة ۶ - ۲۶ برج عقرب)

(توسط مجلس محترم ملی سایر بلاد)

توسط انجمنهای ایالتی و ولایتی

خدمت آقایان حجج اسلام و قاطبة وزراء و
امرای عماد تمام طبقات ملت ایران دامت ثانیاتهم
با آن حله واسحه که همسایه باستقلال ایران ،
اساس دینیت اسلامیت متزلزل ، محض دفاع عجمه تقدیم
بروتست نامه از طبقات ملت بفرمای دولت معظمه
واجب است ، چنانچه داعیان هم فرستادیم ، از ناحیه
مختلفه اسلامیة حتی تونس و الجزایر تا ناز در اسلامبول
مختصاً برای دفاع از ایران چه اقدام اسلام پرستانه
کرده ، آیا غیرتمندان خود ایران باز هم با بحالت
حالیه و شوع نفاق و رقابت و اغراض و - ایبر
موجبات تفرق کله خود را آلت دشمن کرده در
محو اسلامیت و استقلال مملکت خواهند کوشید ؟
فینا لما من مصیبة

(محمد کاظم الحراسانی - عبدالله از ندرانی)

(از قصر بشیراز ۲۶ برج عقرب)

(مجلس محترم شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه)

توسط هیئت مجتهدین اعمام ایدم الله تعالی

عموم امراء و سرداران عظام و رؤسای عشار
و ولایات و طبقات ایالات را بسلام وافر مخصوص
میداریم - در اینموقع خطرناک دشمنان دین اسلام
اعتشاشات داخلیه مملکت را بهاء نموده از جنوب
و شمال بمحو استقلال ایران و هدم اساس مسلمانی
حمله آور شده اند ، البته حمایت از حوزه مسلمین
و تخلص مسائل اسلامیة از تشبثات عبده حیت از
فریضه ذمه قاطبه مسلمین و متدینین و اهل قبله و
توحید است و ابقای این اغتشاشات علاوه بر تمام
مفاسد دینیه و دنیویه آن چون موجب استیلاء کفر
و ذهاب بیضة اسلام است ، لهذا محاربه و معاهده
با صاحب شریعت مطهره علی سادعها افضل الصلوات
و سلام است و بر تمام امرای عظام و طبقات ملت
لازم است که در تخلص ممالک اسلامیة از تشبثات
اجانب با دولت موافقت نموده بدنامی و لعن ابدی
محو اسلام را بوسیله رقابت و نفاقهای داخله و
اغراض شخصی و جنگهای خانگی برخورد روا ندارند
انشاءالله تعالی والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

احقر الخائن محمد کاظم الحراسانی - عبدالله از ندرانی

چنانچه در حرم آقای نقه الاسلام تبریز داخل شدند و
برای یکخراس که بدست سرباز روس رسیده بود
ده هزار تومان از اهالی آذربایجان مطالبه کردند ،
تا حال هم افراد سرباز روس بخانههای برادران
ایمانی ما ریخته و بمرض و ناموس آنها دست درازی
میکنند از شرف دیگر هرروزه مناقین و دزدیهای
داخلی را بترس و طمع تحریک کرده و در هر جا
خون حی برای این کس مکس ریخته میشود ، از
جانب دیگر سکوت ما رجرات آنها افزوده و در
بلاد اسلامی متصرفی خودشان مسلمین را بانواع
شکنجه و عذاب دچار داشته مساجد را کلیسا میکنند
عکس پادشاهان کافر را در مساجد مسلمین نصب کرده
و تعطیل همه و عید محمدی را به یکشنبه تبدیل
میکنند ، ما اهالی فارس را که تا حال در فکر
اخواب ایمانی خود بودیم و سکوت را غنیمت
میشمردیم امروزه میخواهند دچار همان بلیات کنند ،
چنانکه از اغراض رسمی که تازه دولت انگلیس
پیشهاد دولت ایران زده اینمطلب واضح میشود

هر کس از مسلمین در اینموقع سکوت اختیار
کند جان و مال و عرض و ناموسش در معرض
تهاجم احباب درآمد و در تحت شلاق بندگی آنها
هلاک خواهد شد ، چون حفظ بیضة اسلام از
تسلط احباب بمقتضای آیه شریفه (ان یجعل الله للکافرین
علی المؤمنین سبیلاً) بر هر فردی از اعیان و تجار
و کسبه و طلاب علوم دینیة و عموم طبقات ملت
لازم است امید است از هیچگونه اقدام مشروع که
عقلا تصویب خواهند کرد مضایقه ندارد ، و اینمطلب
هم باید دانست که امروز حفظ تبعه روس و انگلیس
را مسلمین محض رفع بهانه آنها زیاده رسابق باید
بنمایند ، همچنین نظم داخله مملکت را بیشتر باید
ملحوظ داشت که ابدأ برخلاف نظم اقدامی نشود
که مزید بر بهانه اجانب گردد و بر عامه مسلمین
فرض است که هر کس و خلاف نظم رفتار کند
او را منع کرده و کارکن اجابش دانند ، و البته
بر همه کس واضح و هویدا است که علاج امروزه
مملکت و رفع بهانه اجانب با اتحاد و اتفاق که رفع
نفاق و برداشتن اغراض شخصی است ، در اینموضوع
آقایان آیات الله بحج اشرف نیز تلکرافات ذیل را
صادر فرموده و به عموم ولایات و ایالات مخبره نموده

نقل از روزنامه نو بهار منطبعة مشهد
(بروز احساسات ملیه بر علیه یاد داشت)

(دولت انگلیس)

در این یکی دو ماه اخیره يك گرد و غبار غلیظ شدیدی از دربار لندن برخواسته و احساسات ملیه ایرانیان بلکه کلیه مسلمانان عالم را درباره دولت انگلیس مکدر ساخته و آئینه ضمیر این طایفه را که بافت و شفت انگلیس منقش بود زنگار نفرت سخت و ازجار شدید آلوده نموده است . آری دولت انگلیس پس از آنکه دست دولت برتکال را از ایران کوتاه کرده و اولین سفیرش در ایران با شاه عباس صفوی ملاقات نموده و مرادۀ اتحاد بین دولتین ایران و انگلیس دایر شد . طوری رفتار کرد که قلوب ایرانیان همواره از او بخوشی استقبال مینمود .

از ابتدای دولت قاجار به نیز دولت انگلیس خود را بسمت محبوبیت در ایران معرفی نموده . دلیلش آنکه دولت ایران بواسطه دوستی با دولت انگلیس از دوستی ناپلیون اعظم و معاهده عسکری با آن سلطان مقتدر درگذشت و هزاران فوائد آتی و تدریجی خود را تصدق دوستی انگلیس کرده و فرانسه ها را جواب گنت و يك خدمت بزرگ بمستمره هندوستان نمود . برعکس دولت انگلیس در زمان محمد شاه قاجار يك نفرت شدیدی را از ایرانیان برای خود جلب نمود و آن مداخله حق شکنانه بود که دوکار هرات کرده و بنادر خلیج فارس را در سر این مناقشه اشغال نمود و يك حق مسلم دولت ایران را از هرات و افغانستان با مال ساخت در این مورد شکست بزرگی بر جذابیت انگلیس در ایران وارد آمده و بهمین واسطه دولت روس کم کم خود را محبوب القلوب ایرانیان ساخته تا در زمان ناصرالدین شاه شاهین برکشاده دولت روس سرتاسر ایران را صید محبوبیت و لذت خود ساخته و فاصله نظریه خود را بطرف هندوستان نزدیک ساخت . دولت انگلیس این غبطه بزرگ را دریافته و بتوسط مرحوم امین الدوله روابط الفت خود را با دولت ایران و دربار سلطان ایران مستحکم ساخته و رمایای خود را نیز بمجذب قلوب ملت ایران هشیار ساخت ولی این تیر کاملاً بنشانه نیامده

امین الدوله معزول و میرزا علی اصغر خان امیرالسلطان بروی کار آمد و باز روابط ایران با روس استحکام پذیرفت .

در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا از راه روسیه دولت انگلیس دست بآچه شده روزنامه هلی آنجا مشغول آرتیکل نویسی شده و مضاری که در این سفر شاه و ملاقات او را که شاید با پراخور روس اتفاق بیفتد در نظر آورده خیالات خود شایسته آفتابی ساختند .

روز نامه (استندارد) منطبعة لندن در ۱۶ ژون ۱۹۰۰ مطابق ۱۸ صفر ۱۳۱۸ آرتیکلی باین مضمون نوشت " چون اکنون اعلیحضرت شاه مشغول سیاحت اروپا اند و نیز بشهر لندن خواهند آمد ، ما را لازم است که برای اطلاع قارئین خودمان از ایران و شاه ایران شرحی بقلم خود بنسجایم ."

هرچند میانه ایران مانند قدیم با دولت ما يك رسی و مودت نیست و نفوذ ما نیز در ایرانشه بالنسبه بقدم فرق کرده است . و باید صراحتاً بنسجایم که قول بعضی سیاسيون و جراید اروپا که میگویند (از دولت ایرانشه جز اسمی باقی نمانده و صعوه وار در چنگال شاهین روس گرفتار است و عنقریب ماش از تعداد دول مستقله محو خواهد شد) بکلی بی پایه و مزخرف و از درجه اعتبار ساقط است . و اعلیحضرت شاه ایران مظفرالدین شاه قاجار بی شك با ما درکال اتحادند و نیکو مانند ناصرالدین شاه ملتفت این معنی هستند که قشون مسلح روس در سرحد ایران در موقع ضرور چه کارها تواند کرد . لهذا ملاحظه و احتیاط از دولت مشارالیها بر ایران فرض است و هم میدانند که دوستی با انگلستان باعث منافع سیاسی ایرانشه است . هم مطمئنیم که اعلیحضرت مظفرالدین شاه هنگام تشریفه آوردن به لندن برابنای این مملکت قول (ردسالی بری) را که گفت (اعلیحضرت مظفرالدین شاه جانشین مسلم و یکتای شاه شهیدید) مبرهن خواهند فرمود . و مردم خواهند دانست که آنچه عیب جویان در کتاب خودشان در حق اعلیحضرت ایشان نوشته اند بکلی از روی عدم اطلاع بوده است . و از غره ماه مه سنه ۱۸۹۲ که اعلیحضرت ایشان بر تخت سلطنت جلوس فرموده اند آثار این گفتار ما

روز بروز ظاهر و واضح گردیده است و قول بعضی جرابد درباره ایران و روس از ووی غرض است و مقصود شان این است که مبداء مملکت ما و روس نزاع برپا کنند .

وقتی که (لورد کورزن) فرما فرمای حایه هندوستان در ایران سیاحت میکرد فریفته هوش و نکوت و قابلیت میرزا علی اصغر خان صدر اعظم ایران (که سالهای دراز است این بار گران را و دوش گرفته و مسؤولیت تمام امور مهمه آف کشور را بر عهده دارد) گردیده است، از جنین وزیر می ما متوقع نیستیم که مهر دیرین را فراموش کنند و جنم از صحبت این کشور بردارند . و ابوری که درباره تغییر افکار ایشان نسبت بانگلیس داده اند باید تاحدی راست باشد زیرا بواسطه شکستهای بیابان ما در آغاز جنگ افریقای خونین بی از خود ما در مشرق زمین کاسته شد .

ولی حالا دوباره وضع تغییر کرده و امیدواریم عنقریب محقق شود که صحبت بدر عاسی و یا و هرگر این بدر بدست روس نخواهد افتاد . و مودت ما با ایران مانند قدیم مستحکم خواهد گردید .

از مضامین روزنامه مزبوره که زمان دیپلماتان انگلستان بشمار است معلوم میشود که دوات انگلیس تا چه پایه از قوت پلنیک خود در آسیای وسطی و این عبطه بزرگ خود نادم . و چه قدر از بر یکی قلوب ایرانیان روس ترسناک و اندیشه مند بوده است . ملی دولت روس گوی پلنیک را در زمان مظفرالدین شاه از میدان انگلیس روده و خود را در میان سینه ایران جا بداد و انگلیس را بفراخ از حفظ نمود و رسوخ در ایران دور گرداید امتداد این حالت تا این اواخر یعنی تا استبدای (روایسیون) ایران کشیده شد . و چیزی نمانده بود که کاملاً کار بد کام دولت روس شده و کیبوتر خوش خط و حال ایران ببالای بام دولت روس بشیند . ولی دوات انگلیس این فرصت را در (روایسیون) منظم شمرده و روابط و داد و دوستی خود را با ملت ایران پیوند داده و در مقابل معاهده خود را با دولت روس بمان آورد . در حقیقت از يك طرف از جانب روس خود را آسوده خاطر ساخته و از طرف دیگر مشغول تالیف قلوب ملتبان

ایران شد . چنانکه بناء دادن ملتبان و تقاضای امضای دستخط مشروطیت ایران از مظفرالدین شاه دلیل است روشن و این اظهارات .

دولت انگلیس خوب تیری انداخت و خوب هم بنشانه آمد . یعنی از يك سمت دولت روس را بسوق قشون در داخله ایران وادار کرد و تنفر ملت ایران را برای روس جلب نمود و از جهة دیگر مهر خودش را در قلوب ایرانیان جایگیر ساخت که گفتنی نیست .

ایرانها انگلیس ها را در این سه ساله روایسیون خیلی درست می داشتند . دلیلش هم اینکه در حراید ملیه امدادی از تجاوزات انگلیس رده نمی شد ولو اینکه در تمام نمایشات روس دست انگلیس درکار بود . ولی تمایل ایرانها بانگلیس این مسئله را اعراض میدمود و تمام سخن را روی با روسان بود .

در قزوین روسها يك اعلان انتشار دادند که در قوسلخانه برای توافیح دعای عموم رعایا حاضریم مضمون این اعلان مردم را بهیجان آورده و روزنامهها تعقیب کردند ولی در مشهد انگلیسها عین هم اعلان را نصب کردند و مردم بواسطه اطمینان که بدوستی و درست رفتاری انگلیسها داشتند چندان هیجانی نکردم فقط از انجمن ایالتی توضیح خواستند و بيك روز اعلان برداشته شد و گفته شد که جنرال قونسول اشتباهاً این اعلان را نصب نموده و همین مطلب مردم ساکت شدند و در حراید هم سرو صدای بلند نشد . و حال اینکه این اعلان عین همان اعلان روسها بود . ولی ملت در آنجا دنبال گیری و داد و بیداد کرد و در آنجا صدایش بلند شد . برای چه ؟ برای اینکه ملت از انگلیسها نفر نداشته آنها را دوست خود گمان میکردند این عقاید صحیحه اسباب میشد که بد کرداری انگلیسها را هم چندان آفتابی نمیکرد . و خوب قلم میداد .

ولی حالا چگونه ؟ حالا برعکس شده یعنی در هر مجلس که میرویم و می نشینیم مردم اسم روس را فراموش کرده و از این یادداشت حق مکنانه انگلیس دم میزنند . مردم بازاری وغیرهم میگویند انگلیس خیلی نقل داشته و ما نمیدانسته ایم . ما خیلی اشتباه کرده بودیم که دل خودمان را از مهر

این دولت بر کرده بودیم، خوب شد که زود ملتنت
شدیم ! ! ! ! !

باری مقصود ما اینست که دولت انگلیس
تخمی که از سه چهار سال بلکه از پنج سال
قبل در قلوب ایرانیان کاشته بود امروز ناقص
درو کرد، امروز ملت ایران فهمیدند که از
هیچ دولت اروپائی نباید امیدوار بود، امروز
فهمیدند که دولت انگلیس همان آئینه دولت روس
است امروز دانستند که دولت انگلیس ماشین حرکات
روس و اکتور تیاتر شال دولت ایران است، امروز
دانستند که رعب دولت آلمان چه قدر در قلوب انگلیسان
اتر کرده که برای پیش بندی خیالات ایرانیان و
جلوگیری از متممات ما متشبث باین التیاتومها و
یادداشتهای قرع سمع ده میشوند.

امروز ایرانیان دانستند که سکوت و عدم
مداخله انگلیس در منطقه تجارت خود دولت روس
را بخيال انداخته و او را برانگیخته است که با دولت
آلمان در برلن ملاقات کند و ملاقات دو امپراطور
در برلن دولت انگلیس را بترس و رعب انداخته
برای اینکه بدولت روس بفهماند که داداش جان،
من هم با تو هم خیال غصه بخور منم در جنوب
دست اندازی خواهم کرد، این یادداشت والتیا توم
را پیش نهاد ساخت ! ! ! آری دولت انگلیس
اشتباه میکند دولت انگلیس قدر تمایل ایرانیان را
بخود نمیداند دولت انگلیس مضار هم محاک شد
خود را در ایران با روس نمیفهمد و اگر هم میفهمد
نمیدانیم بچه خیال ته قیب میکند.

پس ایرانیان راست که بدانند و بفهمند که بیل
قلبی ایشان نسبت بدولت انگلیس اشتباه بود، دولت
انگلیس در مورد بروز تجاوز و شکستن حقوق يك
دولت کوچک هیچ فرقی با دولت روس نداد،

← نقل از روزنامه شریفه ایران نو ←

(ادبیات)

روزنامه (خبر الکلام) رشت که چند وقت بود
با کمال رشادت در جلومشیدن رشت مبارزه مینمود
و از طرف حکومت توقیف و در عوض آن
روزنامه (ساحل نجات) شروع بنشر گردیده که
منظومه ذیل را در شماره هشتم آن خواندیم و
چون مضمون منظومه راجع به مسئله یاد داشت و

سوء قصد انگلیس ها بود آن را در قسم (مسئله)
یاد داشت انگلیسان تلافی هرج میبایم
آه که خصم جنوب مریده آغاز کرد
شکست قانون رحم محاببت ساز کرد

کینه دیرینه را عاقبت ابراز کرد
روی ایرانیان در ستم باز کرد
(طعنه ز زبان از جنوب حمله کنان از شال)

رقیب اوصاف کش رأیت کین رفراشت
بمحو اسلامیان بکسر همت کاشت
بکشت زار وطن تخم شر و فتنه کاشت
رفع شوفا دهد سپس ما یاد داشت

(وگرنه ز اقدام خویش ختم کند قیل و قال)
ندانما با چه حق این متمدن دول
کنند با جد و جهد بکار ایران خلل

نسخ کنند از چه رو حقوق بین الملل
چرا نه با ما کنند بطبق قانون عمل
(بر اقویا شد مگر خون ضعیفان حلال)

خزید ایرانیان حال وطن شد بریش
چو عقرب این ناکسان زنده او را بپیش
به بلع ما آمدند گرگان در جلد میتر
ما را باید شویم بنسا در کار خویش

(کوشیم بر حفظ ملک و للحروب رجال)
اگر چه داده است خصم خرمن ما را بیاد
شکوه نام زغیر ز خویشان داد داد

چرا که خارج شدیم از ره رسم و داد
علاج این درد نیست جز اتحاد اتحاد
(شویم زین اتحاد قرین مجد و معال)

خزید ایرانیان دور شویم از تفاق
که از تفاق او تاد ماه وطن در محاق
قومو یا ما ئین وقتکم الآن ضفاق
چون ملل حیه ما گر نمکنیم اتفاق

(چنان اجاب کنند حقوق ما بیاهال)
آه که ما غافلیم ز حال زار وطن
که شد ز باد تفاق خزان بهار وطن

سپل فن جاری است ز جوی بار وطن
خیز سر و جان کنیم ملا نثار وطن
(زندگی آخر چه سود بذات و انفعال)

برادوان وطن رفت وطن وای وای
بیدغم اندراست مام کهن وای وای

(س) حاجی شیخ چه اندازه لشکر و استعداد دارند ؟

(ج) قریب دو هزار نفر

(س) فشنگ از کجا تهیه مینمایند، جبهه این لشکر اگر جنگ واقع شود ؟

(ج) از لار و نواب

(س) ۲۰۰۰ نفر هر کدام يك قطار فشنگ بخواهند (۸۰۰۰۰) میشود اینقدرها در آب حدود میسر نیست ، حال آنکه لازم است تهیه علاوه از این داشته باشند .

(ج) اندازه فشنگ ما جبهه جنگ بام است و الا مسلم است در صورت دوام جنگ از فشنگ عاجز می مایم

(س) حاجی شیخ توپ هم دارند ؟

(ج) بلی . يك عراده توپ سوزنی ، ۴۰۰ دانه فشنگ که از نیریز گرفته دارند (لاکن از قرار مسموع توپچی در هنگام فرار سوزن توپ را با خود برده و توپ را بیکار نموده است)

(س) توپچی هم دارد .

(ج) بلی . توپچی هم دارد و دستگاہ حاجی شیخ امروز خیلی عالی است ، محالی ~~که~~ در تصرف خودش می باشد معلوم قصد فرستادن آدم بطرف (ارزویه) و (دشت ر) و (جـ پرفت) و (رودبار) هم دارند که ایشان هم باید اطاعت نمایند .

پس از آن مصباح آنچه لازم بود در وطن خواهی و اطاعت اوامر دولت و مجلس مقدس جبهه ایشان اظهار نمود و مقصود از این سؤالات اندازه استعداد شیخ زکریا بود که بدست بیاید و معلوم گردد چنانچه معلوم شد که هرگاه ۱۰۰۰ نفر لشکر دولتی با قورخانه و دو قنداق توپ در مقابل ایشان برود بیشتر از دوپوم نمی توانند توقف نمایند بلکه بورود اینگونه اردو تمام اتباع شیخ زکریا از هم خواهند پاشید و بخوبی تمام اینحال را میتوان تصرف نموده منظم داشت و مالیات دریافت نمود و اندوخته ۴ ساله شیخ زکریا را نیز تصرف کرد ولی افسوس که آنچه می گوئیم و می نویسیم اثری نمی کند و هرچه فریاد می کنیم بگوش کسی فرو نمی رود ، باز هم حاکم وجدان نمی گذارد ساکت بنشینیم

گشته لکدکوب خصم باغ جن وای وای
چگونه ما غافلیم ز خویشتن وای وای
(بخواب خوش اندریم فناست طارا مال)

خزید کز تیه جهل سوی تسالی رویم
ز سکین تبرا کنیم رو بتولا رویم
چو ذره از جذب خود بپرخ اعلی رویم
تا بر معشوق خویش عشاق آسا رویم
(کنیم ما ز اتفاق بمر او اتکال)
(بروین)

طارم و سبمه جات کوهستان

اینحال چهار سنه می باشد مالیات دولتی نداده بعلاوه محصول املاک دولتی از قیدل گندم و جو و برنج و زرت و ارزن و خرما و غیره را نیز تصرف نموده اند و در تصرف شیخ زکریا می باشد، هذه السنه خودش آمده در قلعه (فدک) تمام محصولات املاک دولتی که انبار بوده تصرف نموده و تمام کلانترهای جزوراطلبیده مالیات اینحال را پنجاه هزار تومان برآورد نموده در بین کلانترها جزو تقسیم و بعضی را شد دریافت نموده و از بعضی سند گرفته است، خودش با کمال استقلال در قلعه (فدک) ساکن و مشغول زراعت املاک دولتی می باشد

پنج یوم قبل ۷ نفر از طرف شیخ زکریا وارد بندر عباس شده در منزل آقا شیخ علی مجتهد دشتی فرود آمدند، بر حسب اظهار خود شان این بود که شیخ زکریا ما را روانه نموده که هرگونه همراهی و استبدادی خواسته باشند حاضریم ولی باطنا مقصود شان خرید اسلحه می باشد

۳ یوم قبل ۲ نفر از ایشان که بزرگتر بودند در عمارت حکومتی خدمت مصباح دیوان رسیدند پس از تعارفات رسمی مصباح دیوان بعض سؤالات از ایشان نمود ، بی مناسبت نیست عین سؤال و جواب را عرض نمایم

(س) غرض چه بوده که جناب حاجی شیخ شی را به ایجا روانه نموده ؟

(ج) چون خبر آوردند که لشکر انگلیس در بندر لنکه پیاده شده، حاجی شیخ ما روانه عباسی نموده که اگر اهالی عباسی مدد و همراهی خواسته باشند حاضریم

لار و توابع

این ایام بواسطه نبودن ایالت در فارس و عدم حکومت در لارستان اوضاع حالیه مشوش و هراس بر گردن کسی مشغول نمرات و راه زنی می باشد. از يك طرف محمد جعفر خان گراشی در قلمه گراش ساکن و بهر جا بتواند می تازد و غارت می نماید. محمد حسین خان بهارلو کدالک در بین راه عباسی و لار منزل نموده قطع عبور و مرور قوافل کرده از هیدجگونه اقدامات سرورانه خود داری ندارد. امیر آقا خان بهارلو نیز بلوک حویم و بنسارویه که در اجاره تجار لاری بود تصرف نموده از دست ایشان گرفته تمام محصول نیباکو و صیبی را بغارت برد و به تمنای حکومت فشاری به رضا قلیخان نایب بلوک هرم و پیدشهر آورده هزار تومان حق الحکومه از مشارالیه اخذ نمود. غلام حسین خان در اوی حاتقش از رفتار سابقش و حرکت بشدت نارت بدر شیب کویه معلوم است. اهالی لار مجبور از مستحفظ شده که نگاهداری شان نباید متحمل مایه هشتصد تومان مخارج و مواجب شده سید حامی مانا را با الحاح تمام در لار محض حفظ خود باعده تفنگچی برقرار نموده اند. (اوز) چون خودش استعداد لشکری محض دفاع خود دارد در صد استحقاقات برآمده اهالی تجاوز از دو هزار تومان مخارج برج و حصار و دروازه و سایر استحقاقات نموده مشغول حفظ جان و مال و ناموس خود می باشند. سایر دهات کوچک بکلی از نفوس خالی و اهالی هر کدام فراری و متواری بجائی شده اند. آنچه فریاد میزنند و عریضه میکنند بگوش کسی فرو نمی رود. تمام حدود لارستان گرفتار صدمه اشرا می باشد. بین اهالی لار و اوز و بعض دهات که باقی می باشند اتحاد و اتفاق برقرار و مشغول حفظ جان و مال و ناموس خود هستند. اگر کار باینوال بماند تماماً مجبور به فرار خواهند شد خداوند وسیله فرماید

(بندر عباس)

از واقعات سابق و قصد میرزا خان رودباری حبه غارت میناب و جنگ مصباح دیوان نایب الحکومه عباسی با ایشان و شکست میرزا خان و نیز هجوم اشرا بهارلو بسوی عباسی و مدافعه نمودن اهالی و دست نیافتن بر عباسی خاطر مبارک مستحضر است.

فلاً عباسی و توابع امنیت دارد و اثری از دزدی و شرارت نیست. میرزا خان رودباری هم پس از آن شکست فاحش متنبه شده و میداند بدون عبور و مرور اهالی رودبار به میناب و عباسی امکان زندگی ندارند واسطه انگیزخته و مایل باصلاح می باشد. مصباح دیوان نایب الحکومه در این مدت خوب کار از پیش برده و نگذاشته در این سرحد مهم وطن بهانه بدست همسایه بیاید و باعموم اهالی قسمی سلوک نموده که همگی رضامند می باشند و بهر حال بقول اکتفا نه نموده فعالیت را اراز داده. چنانچه توجه اولیای دولت بسوی ایشان باشد و نظر مرحق فرماید قابل بسی خدمات می باشد.

عمارت حکومتی مشهور بکلاه قرمزی از توجهی حکام سابق قریب بانهدام بود و بعض جاها مهدم شده بود که اگر تعمیر نمی شد گها می رفت بیشتر از این سنه دوام داشته باشد و مخارج کلی برای دولت فراهم می آمد. آن هم در صد تعمیر برآمده تا آن حدودی که متعلق بحکومت می باشد تعمیر کامل نموده فوقانی را با تمام رسانیده و برج را تعمیر نموده بعلاوه برج تازه در فوق عمارت برپا داشته که مشرف بر تمام شهر و بیرون می باشد و میتواند بسیاری از محلات عباسی را محافظ نماید. تختانی نیز آنچه تعمیر لازم داشته تعمیر نموده و میناید که از این تعمیر امیدوست چند سنه دیگر دوام پیدا نماید و مهدم نشود. عملاً هم مخارج کلی از جیب خود نموده است. آیا اولیای امور به خرج بردارند یا خیر ولی سایر عمارت که متعلق به گمرک می باشد از انبار و غیره تماماً خراب و تعمیر لازم دارد که اگر تعمیر نشود مهدم خواهند شد. ولی مدیر گمرک در قید نیست. مصباح در همراهی بامور خیره نیز خودداری ندارد. در ترقی معارف نیز دقت دارد و همراهی با دبستان جاوید نموده و میناید. در حال که ملاحظه سائر حکام بنادر میشود قابل تحسین است

بهران

اخبارات بهران و نزاع و خونریزی که مکرر زحمت افزا میگردید. الله الحمد والمثه بوم ۲۶ شهر ذیحجه بر اصلاح انجامید خدا کند که اشرا را دیگر پیرامون این حور خطا ما نکردند و ظاهراً هم از کرده خود خبلی پشیمان و نادم شده اند. اما چه

سود شهری را خراب و بی بضاعت نمودند، خدا کند دیگر بخیرال ریاست ملی واهی نیفتند که باعث خرابی یک شهری است که ۴۰ هزار نفوس دارد، و این زدو خورد مرکز بهمان احتمال داشت به کوه کلویه سرایت کند که دارای بسیار جمعیت است حال شکر میکنیم خداوند عالم را که بخیر خاتمه پذیرفت

باید غور نمود

عقیده سیاسيون عالم بر این است که هرگاه در میان یک قومی اتحاد و اتفاق نباشد و هر قدر هم صاحب قوه و اقتدار بوده باشد یقین است آن قوم صاحب استقلال نشده در آخر مضمحل و نابود خواهد شد و هرگاه به چشم عاقبت بین مجال ایران نظری نمائیم خواهیم دید (که از عدم اتحاد و اتفاق) جسم نازنین وطن در مقابل اغراض استبدادبان خوش ظام و هدایت مفرضانه خارجیان آدمی کش جراحیات زیادی پیدا کرده و امید بهبودی کم دارد، هرچه دانشمندان عصر سی و تلاش مینمایند که جسم وطن را از تیر دشمنان نجات بدهند از بسکه مردم بدر بی علمی گرفتار و اخلافتان فاسد کشته است، زحمات آنها بی فایده و تا درجه یاس حاصل نموده وضع آئینه مملکت را خوب مشاهده نمی نمایند با این اوضاع حالیه مملکت در مقام فنا و زوال شدن است، از هر طرف کار اهالی ایران دشوار و ابواب بهانه جوئی حریفان طرار باز گشته و از برای صید نمودن ما دندان طمع را نیز کرده و ممالک اسلامی را در میان خود تقسیم و تصرف می نمایند، از یک طرف آنانکه دامان مجاهدت را در خلاصی وطن عزیز بکمر زده اند مجاهدت آنها هم بحال دولت و ملت نمری نداده همه اوقات در خیال خود میباشند

بالاخره از همه اینها چون دو مابین سران دولت و امناء ملت علی الخصوص در میان افراد رعیت اتحاد و اتفاق نیست و لذت مساوات و برادری را به چشمیده اند از این جهت حال مملکت خراب و ناکسان از دور و نزدیک مثل لاش خواران منتظر وقت و بی بهانه میگردند

ای هوطنان عزیز بیدار باشید راحتی و تن پروری را از خود دور نمائید تا کی در غفلت و تا چند در جهالت و اوهمیدمان، عنقریب است که

استقلال ملی و مملکتی شما خاتمه پذیرد و شما را در دست خارج مذهبان اسپر و بی شرف بانبند و از گذشته ما عبرت بگیرید و راضی نباشید که بیگانگان دست نامحرمی به عرض و ناموس تان دراز نمایند بوطن مقدس سوگند تمامی این اتفاقات ناگوار از فتنای و مرعوبیت ما ایرانیان نواید گشته و قشون همسایه از شرق تا غرب ممالک ما را مثل حلقه انگشتر احاطه کرده نزدیک است شهر بای تخت را که فعلاً در دست ایرانیان مانده است متصرف باشند آنوقت است که از خار مستی هوشیار شویم و دست انوس و ندامت بهم بایم و آرزوی گذشته را نموده باشیم که چرا پیش از وقت در خیال حفظ مملکت خود نشدیم، عجب است که اولیای امور و وکلاء، جمهور که حافظ حقوق ملتاند این واقعات ناگوار و تجاوزات جا برانه مسایگان را جزء افسانه حساب نموده ابداً در صدد جلوگیری نیستند و هر که را هر چه در خیال خطور مینماید همان را صلاح دولت و ملت میداند

حضرت مستطاب عالی که زبان ملت و بلند کننده بیرق مشروطیت و عدالت هستید بطور صحیح و مفصل اطلاع دارید که محمد خان سرتیب و میرزا علی اکبر خاٹ مستشار و غلام حسینخان چندی قبل در ضباطی خود شان در طرف (حیرفت) چه آتش بیدادی روشن نمودند و چه قدر بیچارگان خانه و اولاد خود را توك کرده از فشار ظلم آنها جلای وطن اختیار نمودند و چه بی ناهوسیهها و بی عصمتی ما که قلم از تحریرش عار دارد، با همه اینها در منتهای بی شرمی رفتند و قونولگری روس که ملجاء اشرا و دزدان است متحصن و آن همه بی حیائیهها که در (حیرفت) مرتکب بودند ابداً بروی بزرگواری خود در نیاروردند، هرگاه واقفاً ایران مشروطه و باید از روی قانون رفتار نمود، پس استتطاق و مجازات آنها به کجا رفت، یقیناً داد رسی مظلومین و مکافات ظالمین بروز قیامت حواله شده است خلاصه کلام اینکه هیچکس خیال آسوده کی رعیت بیچاره را نمی نماید همه در فکر خود هستند که پنج روز همروا با خوشی بگذرانند، اولیاء دولت و امناء ملت راست که یک چندی فعالیت را بخرج داده آسوده کی نوع را بر شخصی قرار، اولاً بهر طور

که میدانند قشون خارجی را از مملکت برگردانند،
 نائیباً اتحاد و اتفاق که یگانه حفظ استقلال ایران و
 ایرانیان شناخته شده در ذهن جمیع طبقات افراد
 ملت جاگیر نمایند - نائیباً حکام و مأمورین را از ظلم
 جلوگیری نمایند و منتشین سری بکارید، هرگاه کسی
 از حکم قانون اساسی تجاوز نماید مجازات سختی قرار
 دهند نیک و نیک و بد را بد جزا بدهند، در
 این صورت عموم ملت قدر مشروطه را خواهند
 دانست و قانون اساسی را از جان خود گرامی
 خواهند داشت، نقداً که مملکت ایران در حال
 بحر است بهر طرف که نظر مینمایم آشوب و اغلاب
 حکم فرما است و گرگان آدمی خوار در میدان
 سیاست نشسته تماشای تبار ایرانی را مینمایند. تا به بیم
 و آوی شریف صادر دولت و امانت ملت چه اقتضا
 خواهد نمود و در حفظ و دان مقدس چه تدبیری
 خواهند فرمود

(روح دولت بخوانند)

جهالت و نادانی ایرانیان را از لباس انسانیت
 خارج نمود اغراض سیاسی ارکان استقلال مملکت را
 به تزلزل در آورد بی اتحادی و بی اتفاق اصمحلل
 دولت شش هزار ساله را در تماشایه با نداشتن آن
 میدهد، بی علمی و خودبستگی کوس رسوائی را
 به گوش عالیسان میرساند، شامت نقشه حاکم خانه بر
 انداز همسایگان استعاش و انقلاب مملکت را بیشتر
 مینماید، آفرین بر آن یکه تازان عرصه سیاست که
 ایرانیان را چنان به خود مشغول نموده اند که عقل
 در حیرت است، صد باریک الله بر آن پهلوانان جابک
 دست که میخواهند اسم ایرانی از صحنه روزگار
 محو و نابوده باشد، به انسانیت قسم است از شنیدن
 بعضی اخبارات حالی برای اسان باقی نماند

و از برای اینکه دوستی و حفاظت و من بر همه
 کس لازم و واجب است فلینذا باید خیرخواهان عصر
 جاریه در باب خلاصی مملکت و اصلاح امورات ملت
 فرمایند، مسلم است تا موقعیکه اغراض شخصی از
 میان مردم برداشته نشود و کارها از مجرای صحیح
 جاری نگردد نجات ایران از جنگال گرگان آدمی
 خوار محال اندر محال است

پس کارگذاران دولت و ملت باید ملتنت مطالب
 ذیل بوده باشند، اولاً وزارت خانه و ادارات را

هرچه زود تر ممکن است به تحت انتظام بیاورند
 (در انخصوص از آقای مستوفی المالك و رئیس الوزراء
 حالیه تشکر حاصل است مکه از برای اداره جات
 مستشارهای خارجی را طلب نموده اند کما میروند
 هرگاه ادارات بدست آنها سپرده شود انشاء الله
 صلاح دولت و ملت خواهد شد) نائیباً وزراء و وکلاء
 در امنیت شهرها و راه ها جهد وای بکار برند
 که اهمیت این کار از همه الزم است، نقداً که تمام
 شوارع در حالت اغتشاش و نا امنی است بهانه بزرگ
 همسایگان ما همین نا امنی طرق و آشوب، مملکت
 است. یقین است مصادر امور بیشتر وقت خود را صرف
 این مطلب فرموده بهر طور است امنیت عمومی را قائم
 و برقرار خواهند نمود، نائیباً کما اتحاد و اتفاق را (که
 سرمایه جمیع سعادات و نیک بختی است) در ذهن جمیع
 طبقات ملت بهر شکلی که میدانند برقرار نمایند که جلوگیری
 از تجاوزات همسایگان همین اتحاد ملی در حفظ
 حقوق مملکت خواهد بود، چه در مقابل اتفاق ملی

هیچ قدرت خارجی را تاب مقاومت نیست

(آنچه بدهد خرمین دشمن به باد)

(اتحاد است اتحاد است اتحاد)

پس هرگاه جمیع طبقات و ملت اعم از اعلی
 و ادنی اتفاق را پیشه خود نمایند و دست برادری
 و یگانگی را بهم بدهند ممکن است در مدت اندک
 زمان نتایج دل بخواه حاصل و دولت ایران هم
 بتواند در مقابل سایر دول قوی بلند نموده باشد،
 مختصر کلام این است هرگاه در مملکت ایران قسط
 الرجالی نبود وزراء و وکلای سیاسی دان وطن خواه
 پیدا میشد یقیناً دوجار این مخاطرات ناگوار امروزی
 نمی شدیم -

بدی است که از غنلت ما ایرانیان و وطن
 فروشی بعضی پست فطرتان این قسم واقعات غیر
 منتظر ظاهر و گرفتار بسی مشکلات مینماییم، افسوس
 که اغراض شخصی و بی اطلاعی از اوضاع زمان
 ما را به این روز سیاه نشانده و هر روز در خیابان
 ضایع نمودن همدیگر از جان و دل کوشانیم

چنانچه قوه پارتیهایی طهران حضرت سردار و
 سالار ملی را با آن همه خدمات و جان فشانیها
 (که در حقیقت احیاناً میکنند ایران و اتحاد
 ایرانیان بسته به این دو وجود محترم است) با

تدبیرات زیاد از تبریر خروج نمود بالاخره در طهران آن همه ناملایات (از تمجیدات داخلها و خارجها) روی آورد که غیر از رسوائی نتیجه و حاصلی نداشت و آنهاست که از وضع زمان آگاهند میدانند که مسایگان ما علیالات در عدم اساس مشروطیت کوشان و هر آن نقشه ها و طرح ها میبزند که زودتر این بنیان مقدس را از بن در آورند، از آنجائیکه ما اهالی ایران بی علم و از اقتضا زمان بی خبریم اصلاً این واقعات استقلال کنی را بروی خود نیآورده روز بروز بر شدت نفاق و نادانی خود می افزایم، نتیجه این همه غنلت و بی اعتنائی همین کیفیت است که مدت یکسال و نیم بیشتر است قشون اجانب بوطن عزیز ما داخل گشته از اجحافات غیر قانونی و کردارات زشت و وحشیگری خود داری نمیدانند، مسلم است هرگاه اولیاء امور و وکلای جمهور چندی هم کار را با مسامحه و مداخله بگذرانند یقیناً احوال ایرانیان از حال مصرها و قفقازها بدتر و در کمال رذالت و فلاکت زندگی خواهند کرد

پس در حکم امروز هرگاه طبقات افراد ملت استقلال ایران را طالب و حفظ مملکت را از تجاوزات جبارانه مسایگان مایلند باید فرض شخصی را کنار بگذارند، مساوات و برادری را در حق همدیگر شمار خود نمایند و هر حکمی و فرمانی که از مقام منیع ریاست روحانیه و حجج اسلامیه نجف الاشرف صادر شود بلا درنگ اطاعت نمایند و مرعوبیت را در نزد خارجه از خود سلب نمایند ببارت آخری دست از حبیل المین اتحاد و اتفاق برندارند؟ در اینصورت ممکن است بوسیله اینها کشتی استقلال ایران از غرقاب فنا به ساحل نجات برسد و مملکت از کند طاراران عیار محروس و محفوظ بماند و الا وضع کار جور دیگر برداشته شود باید تن به قضا داده و خود را به خدا بسپاریم، تا اینکه (دستی از غیب برون آید و کاری بکند)

این را هم باید ناگفته نگذاریم مملکت ما که باین حال خرابی افتاده است تماماً از سوء خیالات مشروطه خواهان موهومی است که در ادارات راه یافته و رعیت بیچاره را از همه چیز منفور و از مشروطه روگردان مینمایند (اندکی با تو بگفتم غم دل تو رسیدم)
(که نو آزرده شوی ورنه سخن بسیار است)

نگارنده از کرمان می نویسد ←

هر دم از این بلغ بزی میرسد تازه تر از تازه تری می رسد

حال امروزه ایرانیان مثل کشتی طوفان زده میباشد که گاهی در حالت غرق شدن و گاهی در حالت نجات یافتن باشد، چنانچه ساکنین کشتی در وقت طوفان خود را به خدا سپرده از جمیع علایق و زندگی چشم پوشیده و امید خلاصی ندارند

همچنین است اوضاع مملکت و اهالی ایران که در حکم امروز همین حالت را پیدا نموده مثل اینکه در روی تخته باره ایستاده منتظر مرگ یا نرج میباشند در حقیقت هر طرف که نظر مینمایم آشوب و انقلاب پیش از تصور است و این پیش آمدهای امروزی فنا و زوال استقلال ایران را فریاد میزند، و آنچه من بعد آقایان صادر امور در خصوص آرامی و ساکت شدن انقلابات اقدامات فرمایند بی نتیجه و حکم نقش بر آب است، بجهت اینکه از قوالت بی اصل آقایان و یارتی بازی بعضی بی ناموسان روزگار ایرانیان تیره و تار گشته خلاصی از این پیرایه ها که هر آن در بگرنگی جلوه کنند خیلی دشوار و بسی مشکل است

از یکطرف تصرف و قبضه نمودن نایب حسین کاشی و پسرش اکبر شاه کاشانی تلگرافخانه انگلیس را و از طرف دیگر کیفیت قونسول روس که از اصفهان بجهت بریا نمودن بلوا به یزد آمده و دوباره از یزد باصفهان رفته و آنچه واقعات که دیروز مابین اهالی و اداره نظمی و انجمن ولایتی اتفاق افتاده است حال وطن خواهان را طوری مفتوش نموده که به تحریر نمیگنجد، از آنطرف هم اوضاع ناگوار بندرعباس و تنگه بروی دردهای پیدرمان ایرانیان علاوه گشته و بسی مشکلات را فراهم نموده است.

حریف مجلس ما خود همیشه دل میبرد

علی الخصوص که پیرایه بر او بستند

این اتفاقات بندرعباس و اطرافش گریه تازه ایست که به رقص آمده معلوم نیست طاقتش به کجا منجر شود، بموجب مکاتیب که هرچه قافله در اطراف عباسی عبور و مرور مینموده تمامی را ساوقین عرب و بهارلو تاراج و غارت میکردند

و از قرار خبر اخیر که تلگرافاً رسیده است گویا سارقین به عباسی ریخته ثلث شهر را غارت و بسیاری از اهالی فرار و دریاپیکی را قوه جلوگیری نبوده است

با این اوضاع حالیه چطور میشود ایران را دارای استقلال حساب نمایم، در هر نقطه از نقاط مملکت اسباب اغتشاش و انقلاب از غفلت و بی اعتنائی کارگذاران دولت مهیا و آماده است، هرگاه روز اول جدآ در صدد جلوگیری و دفع حسین کاشی بر می آمدند دیگر امروز باین مشکلات عظیم دوچار نمی شدند

و هرگاه وزراء و وکلای مسا در ابتدای امر در خیال بنادر می بودند و لااقل دو هزار قشوق مسلح و آزموده در بنادر و اخراش بگذاشتند دیگر در حکم امروز سارقین و اشرا را قدرت اینطور جسارت ها نمیشد. و دولت هم به ایندرجه گرفتار فشارات داخلی و خارجی نمی گشت

از قراین همچو معلوم میشود که در مرکز کابینه وزراء عظام ویا مجلس شورای ملی شیدالله ارکا که از این اوصاف اسف انگیز ایالات و ولایات بی اطلاع و نمیدانند که چطور وجود امنیت مثل کبیا کشته و رعیت بیچاره بکلی تمام و نابود میشوند، جائی نیست که اسان از دیدن آن متالم و خبری نیست که از شنیدن آن محزون نشود، از مرکز باینطرف که نگاه میکنی همه جا اغتشاش و ببا و ایالات و ولایات تماماً بی حاکم و مردم حیراند که آیا آخر این انقلابات به کجا منجر و آیا ایهمه آتش فتنه و فساد کی خواهمش خواهد گشت

وقته تازه که در (حیرفت) ظهور نموده است دل سنگ را آب و جگر و ضن برستان را بسوزش می آورد، نه زبان را طافت تقریر و نه قلم را قوت تحریر هست که این واقعه دلسوز را بتقام شرح و بسط بیاورد، همینقدر بیچاره حاجی مهدی قلی خان تبریزی که جوان معقول و آدم درست و صحیحی بود چندی قبل (در زمان آقای نعمة السلطان معاون ایالت کرمان) ضباطی حیرفت را قبول و برای اخذ مالیات عازم آن سامان گشته بود، تا اینکه شب پنجشنبه ۲۳ شهر شوال (در محال جمال باریز) در نصف شب محمد نام اشرا را که از طایفه پهلوان

میگویند با جمعی از اتباع خود شلیک کنان به خیمه حاجی مهدی قلی خان ریخته و بیچاره را شهید و یک نفر را هم از دستگانش به قتل رسانیده خاک بیچاره گی به فرق اهل و عیالش می ریزند

شرح این بیداد و این وحشیگری هر آن باشد که بدهد دیگری

خدا گواه است بمجرد شایع شدن این خبر در شهر آنهاییکه با مرحوم مزبور آمزش و نشست و برخواست داشتند بطوری افسرده و منقلب الحال گشتند که ما فوقش متصور نمیشد

بلی ظهور این واقعه از سهو و خطای (آقای نصره السلطان) تواید گشته در آخر این جور نتیجه داد، بعلمت اینکه در زمانیکه (محمدخان سرتیب و میرزا علی اکبر خان و سلام حسین خان) با تدبیرات و زحمات زیاد آقای میرزا حسین خان رئیس نظمیہ گرفتار و دو عدایه (که اسم بلا رسم است) استنطاق و حبس گردیده بودند هرگاه مشارالیم را مجازات قانونی میدادند و نفس شرور شان را بوادای عدم میفرستادند هم رعیت بیچاره آسوده میشد و هم این وقعه فجیعه رخ میداد، چه فائده آقای نصره السلطان که چند روزی ایشان را نگاهاند آنها هر شیوه و کلکی بود خودشان را رهانیده رفتند در قونولگری روس بنامند شدند

و از قراریکه میگویند و بتواتر رسیده گویا قتل مرحوم حاجی مهدی قلیخان به تحریک و اشاره یکی از آنها ویا یکنفر از مجتهد زاده گان بوده است (خدایا زین معاصی برده بردار) از بسکه مواس انسان از ما ملاقات و حوادث این دوره خراب و پریشان است نمیداند از زبان و از قلم چه خارج میشود (تو خود حدیث مفصل بخوان از این عمل) یوسف زاده تبریزی

خراسان

از بسکه اخبار همه قسم فراوان و غمه زیاد است ندانم کدام یک را برشته تحریر آرم و از کدام مبحث سخن رانم آبا سوانح (درجز) و آن همه امهای بیابی را تشریح نمایم یا واقعه تون را گویم یا آنکه اوضاع قوچانرا نویسم یا از ادارات مشهد سرایم یا از سایر ولایات و تسایح اولیای امور را خوانم - بسکه در ادارت مشهد داخل شده و آن

هزار يك معایب و نواقص آنرا گاهی بکنایه گاهی
باشاره و دمی به تصریح نوشتم و گفتم زیانم فرسود
و خوانندگان برخی گفتند که صاحب این مقاله
مفروض و هر آنچه نویسد خود خواهد بجا آورد .
ولی چون دسترس ندارد بکناری نشسته و عیب
جوئی مینماید . بعضی سرودند که نویسنده این گشتار
درباره وطن و وطنیون بس و نجور و الیم است
و پیداست که در نویسنده کی نیز خمه آزادی ندارد
که سخن را چنین باستمارات پرورده و کمتر از
آنچه میداسته و میتواندست است نوشته بنده هم
در قبال این غیباب کویها ارواح نیاکان وطن و
حارثان این خاک مقدس را بصدق عرایضم گواه
راستین دارم - بالجمله چنانکه میداید و تمام
هوشمندان عوالم سیاسیات نیز میدانند مواقع امروزه
ایرانیان سی بار یک مینماید گویا موقی رسیده که
وقت مرهونیات خود را نشان دهد . واضعتر عرض
نمایم موقی برای ایرانیان رسیده که یا بانجماد و
اتفاق اولیای امور و علمای ملت و سایر صنوف
خود را مانند يك مشت بوثریای تراسوالی در
مقابل آنهاه قوه جسیم سر دفتر شرافت تواریخ
ظالم قرار دهد . یا آنکه خدای نکرده بواسطه
تفاق و دوروی و جنگ خاکی خود را بادی درجه
اء برساند ~~که~~ مادام العمر خود و وارثانش
هل یستقل ایران خواهند گشت . معلوم نیست که
از این دو شکل کدام خواهد انجام پذیرفت . اگر
بگوئیم قسم اول انجام میگردد می بینیم علامت آن
ابداً ظاهر نیست چونکه از اعلی و ادنی سخت در
خواهند . و اگر گوئیم قسم دوم خواهد شد آنرا
نیز نتوانیم گشت . چرا که هنوز اعتماد و اتکال قلبی
ما به جوانان رشید ایران و ایلات و عشایر نهایت
استحکام را دارد و نتوانیم از این اعتماد و اتکال
مایوس شد . امنای امور یا اولیای ملت در جزو
کارکردنیا اتحاد با آلمان و دادن چند قمره امتیازات
بان دوات و اتحاد با دولت هم مذهب و هم مسلک
خودشان عثمانی اگر جداً انجام میدادند و مرابطات
تجارتی و سیاسی با آلمان پیدا می نمودند قابل هرگونه
تحمین بود چنانکه این مطلب را اغلب از دانشمندان
و سیاسیون وطن مکر بر مکرر نوشته و تجویز نموده اند
و اقدامی فرمودند . و حال آنکه این دو اتحاد و

اگر انجام میدادند قط در سایه این دو اتحاد
میتوانستند بدون اقدامات دیگر استقلال گران قیمت
خود را بدون تقدیه محفوظ دارند بقدری که اهمال
ورزیدند که دولت روس خود به شخصه برایش
بشرفت اغراض خود در ایران از پایتخت حرکت
نموده و برای این اتحاد یعنی اتحاد خود با دولت
آلمان به بران رفته و اتحاد انجام میدهد چنانکه
سیاسیون میگویند که یادداشت دوات انگلیس بدولت
ایران فقط اثر و نتیجه ملاقات امپراطور روس
با ویلهلم امپراطور آلمان است . بهرحال در انجورد
ایران هم جواب ~~ما~~ شاقی و کافی در آزاء این
بروتست و یاد داشت داد که با آن همه مرعوبیت
ایرانیان در جلو مهاجمات اجانب این اجوبه خیلی
از سیاسیون را به تک و بوی انداخته و در نهایت
حیرت سخن میرانند . و اقوال در این باب باندازه
زیاد است که نتوان نقل آن آراء و اقوال نمود .
(سحر تاجه زاید شب آبتن است)

در جواب این یادداشت از طرف عموم ملت
خراسان که چندی قبل در انجمن ایالتی اجلاس
در این خصوص نموده بودند تلگرافی به دول خاصه بدولت
انگلیس شد که آنها خیلی دندان شکن بوده اینک سیاسیون
داخله را بلکه سیاسیون دول خارجه را هم از
انتهاضات عقلانی و ایضاضات حق شناسی ایرانیان
متنبه و بیدار داشت بعلاوه این جواب اصلاً
بروتست دولت قهیمه انگلیس که خود را به مدنیت
معرفی نموده بود خیلی به هیجان آورده و هر يك
معائن به آن بسته اند . خاصه در موقی که قونسول
انگلیس در خراسان چند باشیک فنك و فنكك و
يك مراده توپ نیز وارد نمود .

(واقعات خراسان)

بعد از آنکه اهالی ظلم دیده (درجز)
شخصاً یا باشاره دست خارجی رؤسای ادارات
را از درجز بیروث نمودند و آنان بمشهد
آمدند چون از طرف مدیر ایالت اقدامی در این
باب نشد این بود که برنجری اهالی (درجز) فروده
يك پورش دیگر با ادارات برده و رئیس گمرک
را هم موسوم به محمد تقی میرزا بود گرفته و کشته
بودند وهم ریاست تلگرافخانه و ریاست پست انجمن
را کفک زیاد قریب الموت زده اند . از طرف انجمن

ایالتی خراسان خیلی سخت گیری در این باب یعنی برای جلوگیری از مفسدین به ایالت گردید و ایالت هم اندک اقدامی در این خصوص نفرمود تا اینکه اعضای انجمن حاضر شده بودند که از مالیات مبللی گرفته و خودشان عده قشون تجهیز و تسلیح نموده بجلوگیری اشرا در جز، و تن، و گناباد، که محمدعلی نیشابوری آنها را شولوق نموده بهرستند در حلال این مذاکرات خبر رسید که شوکت الملک حکمران قانات عده قشون با دو عراده توپ از ایالت خود به جلوگیری محمد علی نیشابوری محدود قلعه گیور فرستاده. رئیس قشون خراسان نیز دوشب قبل محرمانه بدون استعداد حرکت کرده و به طرف ترات رفته اند که در آنجا اردوی ساحلو را که چندی بود فرستاده بودند همراه بر داشته و به جلوگیری اشرا در جز، و قوجان، و توش، و گناباد، و یره برسد در این چند روزه اندک خبری از اردوی ده تی رسید. معلوم است که یکمتره به سرف اشرا در جز برسد.

اهالی محاوردهم شاره بزرگ خود در دست دواتر تلافی آنها را برت نموده بعد از آنکه درن زیاد بیرون نمودند در دست اسپر هم بودند بعد از طرف انات تگره به سردر حکمران محورد شد وعده استعداد بری سردر کون از ان خواسته شد سردار مشارایه انا امتناع نموده در جواب ول لباس و محارح مسارت سور خواست در این موقع هم معلوم است که کمیت ایالت تک است و در این کوه موافق نخواهد بود مصرف بود. صاحب حذیر از والی خراسان هم بعد از دو روز وارد خواهد شد و تاگرف ایشان از دامغان رسیده است و صد نفر سوار مسلح و ده عراده توپ نیز همراه دارند. ریاست نسبه هم همراه ایشان می آید عمماً ریاست نسبه و امینه و ژاندارام خراسان با پشاحن است.

طامه ای که معتمدالوزاره در مشهد بود از اثر اقدامات مت اراپه تمام ولایات خراسان امن بود بطوریکه ناحیه اححاف نمی شد بعد از حرکت مشارایه تغییرات کلی در اور خراسان پیدا شد. اولاً روسای نسبه ولایات جزء وکل را که مورت امنیت بلاد بودند همه را مرکز خواسته و معزول نمودند بعد از خواستن ایشان ولایات نهایت اعتشاش را پیدا نمود که الآن بزآن اعتشاش بود. وهست و رموز دامان میداند که رای ایالت این اشتعالات بقدر استعداد لازم خواهد بود که امنیت اراپرا عودت داده و اشرا را سر جای خود به نشاند.

نایباً - در زمان معتمدالوزاره اتباع خارجه و اولیای امور خارجه اندک حرعت اجحافات نداشته و جز طریق قانون نمی نمودند چه که در موارد متعدده جلوگیری سمحت از بقانونی آن نمود و از اجحافات بازداشت همین که در زمان معتمدالوزاره قونسول روس فشنگ و فشنگ وارد می نمود فوراً معتمدالوزاره بموجب قانون توقیف می نمود ولی این چند روزه که فشنگ و فشنگ وارد شد و معاون اداره نسبه برای تقفیش و توقیف آن رفتند اولاً بواسطه يك توب ختم که سی از اجزای گمرک وعده شده بود مالکانه ورود این چند پیشک را امتناع نمودند بعد از تقفیشات زیاد معاون نسبه در امرک و فتی که پیدا شد از صرف مدرک است پس شد که آنها را دست برد. مار نماید و هر اند توقیف نسبه نمود. بی ادب نسبه خراسان الآن تبصه يك هر مدبر ایالت و رئیس کابینه ایالت روس و انگلیس برست شده. ما بعد اندک شکیت از پیش آمد ایس تریات استه باشد. هر ره مدبر بوهار مواضعه مدبران در آن دی است. قونسول روس و انگلیس بودند و عقب گیری نمود. اندک حوار داده شد. ملی پیش بی سیاسیون باید راست بشود که گت اند مدحتی و دست ایران باید بتوسط اهالی امور ایشان بشود.

ریاست نسبه خراسان بز بعد رمندی تعطیل و خرابکاری جدی است نارض اقدس مشرف شده و هنوز اعمالش حسن و قبح ندارد که قابل مادی باشد سایر ادارات بز تری که قون بوشتر مانند ندارد جزایکه هر اداره بسوریکه معلوم است يك نفر اداره خراب کن و بیوجدان است که تمام اعمالش از روی بیلاحتکی است. چندی قبل برای بلیم های نسبه قریب دو هزار تومان رك بری بکرنگ برای مابوس ایشان خریده شد و بول آرا دواتر تلافی خراسان برداخت و الحق اگر در حرکات ریاست دواتر تلافی خراسان شاعراده محمدعلی میرزا ناریک شویم خواهیم ملاحظه نمود که اعمال مشارایه برخلاف اعمال سایرین در بیسرفت مشروعت و نشر امن و آزادی است چرا که مکرر از طهران برای توقیف عبادات دواتر تلافی تلگرافات شده که دباری به نظمیة محمد و مة آرا به تحویل شعبات (طومانیس) بدهد مشارایه معلوم چون میداند که اگر جلوگیری از حقوق نسبه خراسان بشود و حقوق ایشان برداخته نشود فوراً تمام اعصاب و اجزاء آن خاصه پلیس ها استعفا داده و امنیت خراسان بالکلیه از دست خواهد رفت، لذا همه وقت مطابق بودجه

قدیم نظمیة هر میلی که اداره نظمیة خواسته است از بابت پول ملبوس و چکیده و مواجب و مخارج دیگر فوراً بدون تسامح پرداخته شد بطوریکه تا حال یعنی از اول ریاست ایشان هشت هزار تومان تقریباً بآداره نظمیة پرداخته شده و در این مورد انجمن ایالتی هم نهایت جدیت را نمودند در اینکه تمام حقوق نظمیة و مصارف آنرا باید دواثر تلافی بدهد و اگر دواثر تلافی نخواهد نکول در پرداختن وجوه بنماید کار بجای خواهد رسید که شالوده و اساس دواثر را از هم خواهیم پاشید

آفتاب تابنده یا ابر بارنده

(هر کدام هر وقت هرجا خواهند)

(قوای نازده جاذبه ساعتیه و محکم بر ابر)

(هرجا که ضرورت داعی باشد)

(۱) هنگام افتتاح عمارت مخصوصی که در لندن برای عملیات برقیه ساخته شده بروفسر دفرنلی نطقی گرانمایه در عمل برق و خصوصیات آب برآید فواید افراد بنوع انسانی داده و توضیح میکند که بر هر ضربتی که اکنون دواثر خرج بر میدارد آنوقت به نمن آه یعنی هشت یک آه تنزل تواند و خواهد نمود و دوام عمل هم زیادتو خواهد بود (۲) این عمل نه تنها برای رسانیدن حرارت و روشن کردن جمیع کارخانجات ریخته گرخانه و صنایع حدادی یا آهنگری قلیل خرج هر ضربتی از برق به نصف نمن آه (شازده آه یک رویه است) مفید خواهد بود و بلکه برآید جمیع قوای ابداع صنایعیه و ترقی علوم جدیدی نتیجه خواهد داد باز بلکه سلطه و محکم بر هر چیز بطوریکه خواسته باشند میتوان گفت موهبتی نام است ، حتی آنکه برای درختان و نباتات روینده و باتمه هم قوت کود بدهد که درایمک مایه برومندی و سر سبزی اشجار منمره باشد و صرفه زغال هم مضاعف گردد و کسی را هم در این باب انکار نیست (۳) میفرماید حفاظت بنادر و سواحل مملکت را هم با قوه برقیه بطور درست توان نمود و هرجا که حالا زغال و گاز و دیگر چیزها بکار برده میشود آنوقت با قوای برقیه بهتر توان کار کرد

(۴) میفرماید عقیده من اینست که بیاید وقتی که

خبال کنیم که هیچ تسجی نباشد که بر هوا زیاده از آنچه حالا بر آب بعد از باریدنش بر زمین تسلط داریم قوه حکمرانی پیدا کنیم و با قوه برقی علم آرا بیاییم که بر تابش و نور آفتاب که اسباب حیات ما است و در اقالیم مختلفه بالندبه بیکدیگر مرطوبست هرجا و هر قدر و اندازه که ضرورت داعی شود حکم کنیم و هیچ اسباب تسجی هم نباشد و با هم

قوه کشش هر قدر بخواهیم بارش بیاریم و اراضی و نباتات را خرم و شاداب سازیم

(۵) میفرماید همچوا حساس میکنیم که پس از آنکه اندازه دانش و علم مان در ماده برقیه زیاده از آنچه هست بشود ممکن است که آن وقت یک قوه وافه و طارده از برق بدست بیاوریم که در بنادر مملکت بریا داریم که سواحل دریا را از تهدید و وعید دشمن خارجی حفظ نماید و اوهامی باند ایستاده در هوا را که حایل میان ما و آفتاب شده فشار دهیم که اشدو که ضرور داشته باشیم بشکل بارش بیارد و نگذاریم که آن اوهام که خلی بنظر می آید بهدر رفته محو شود و آهمقدار ازان ابر بلند بالا ایستاده بساریم که سر سبزی مملکت درخواست و زراعت و فلاحت را ضرورت باشد

(وقایت عظیم زغال معدنی)

بروفیسر دفرنلی حکیم بعد از ختم گفتار خود بایکی از وکلای روزنامجات ملاقات کرده بیان میکند که ما آنوقت میتوانیم همه زغال هارا که هر ساله برای ضروریات خود میسوزانیم بقوه برقی تغییر و تبدیل دهیم و جمیع کارخانجات و صنعت گاهها را که اکنون با زغال کار میکنند آنوقت بقوه برقیه اداره کنند. آنگاه هر ساله مبالغ زیاد فائده حفظ زغال را داشته باشیم و کسی را مجال انکار هم نباشد میفرماید بکبار که تدابیر این عمل ما رواج گرفت هر ساله ما اقلأ سالی نود ملیون طن زغال که عبارت از نود هزار هزار طن باشد زغال سنگ را صرفه و پس انداز کرده ایم، و بسبب کثرت زراعت و فلاحت اوطان خود را آباد و برومند ساخته بی آنکه ضرورت طلبیدن آزوقه از خارج باشد از وطن خود حاصل بعمل آوریم و اگر جنگ هم از اجنبیان خارجه درگیر شود حفاظت ملک خود را از خطرات به احسن الوجوه کرده باشیم

(اشاره) یک طن زغال معادن بیست هندویت وزن انگریزی است و هرطنی ۲۲۰ من وزن تبریزی که عبارت از ۲۲۴۰ رطل انگریزی باشد

از ادود کیت آف اندیای بیسی ۲۸ نومبر سنه ۱۹۱۰ میلادی عیسوی ، صفحه پنجم ستون پنجم روزنامه مذکور ترجمه میرزا کاظم نمازی

تلاکرافات روتر راجع بایران

(۲۶ دسمبر - ۲۳ ذیحجه)

نخبه روتر از بوشهر خبر میدهد که (هیاستنه) جهاز جنگی انگلیس جماعتی را بتلاش اسلحه قاچاق پیاده نموده بین آمان و اصراب سخت زد و خورد شده و ۴۰ از اصراب و چهارده از آنان مقتول و مجروح شده اند

§ بطریق رسمی اشاعت یافته داین وقعه در (دوبن) که قرب لنگه است واقع گردیده، سه سرباز بحری با يك افسر بقتل رسیده و يك از سربازان مفقود الاثر است، پنج سرباز بحری و ۴ عمده جہاز مجروح شده اند.

§ روزنامه (ادویکیت آف انڈیا) خبر یافته است که امیرالبحر (سلید) که برای جلوگیری از تجارت اسلحه قاجاق مامور خلیج فارس بوده يك سال دیگر بر خدمت او امتداد شده است.

(۲۸ دسمبر - ۲۵ ذیحجه)

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که وزیر خارجه ایران استعفا داد. و علت استعفای خود را چنین ظاهر داشته است، که چون او را ایازان است که دولت انگلیس تعصیل خواهد نمود مواد یاد داشتی را که در اکتوبر گذشته برای امنیت جنوب ایران پیش نموده و به خیال وزیر خارجه دولت ایران تاکنون در این باب هیچ اقدام مؤثری ننموده است، و چنان معلوم می شود که تعصیل وار اقداماتی که تاکنون دولت ایران بر اثر یاد داشت انگلیس ننموده مفصلاً نوشته و پیش خواهد شد.

(۲۹ دسمبر - ۲۶ ذیحجه)

§ سارت لندن بیان نموده است که ۴۰۰۰ قشون دیگر بطرف فارس روانه خواهد شد تا قشون ساختوی فارس برای همیشه (۸۰۰۰) نفر باشد، علاوه بر این نیز ۲۰۰۰ نفر ژاندارمی محض حفاظت و امنیت راه ما ترتیب خواهد یافت.

§ مخبر روتر از طهران خبر میدهد که وزیر خارجه ایران در ضمن بیانات خود اظهار داشته است که علت استعفای او توقیر نمودن دولت روس است مواد عهدنامه جات با ایران را، و نیز شکایت داشته است که حرکات روس مغل است انتظاماتی را که دولت مد نظر دارد و در صدد اجرای آن است.

§ دولت ایران در جواب یادداشت دولت انگلیس اطلاع داده است که راه بوشهر و شیراز از طریق کازرون امن و برای تجارت واز است، و بموجب خبر تحقیقی از بجم دسمبر تاکنون هیچگونه واقعه که مغل امنیت باشد پیش نیامده است.

§ طمس مینویسد که واقعه دوبن سبب خواهد گردید يك انتظام محیی را منباب جلوگیری از اسلحه

قاجاق در خلیج فارس، و اوقاتیکه از موسم گرما تا کنون پیش آمده مدال داشته است که دولت انگلیس کاملاً میتواند جلوگیری از معامله اسلحه قاجاق در خلیج فارس بنماید. گویا اگر ما بافرانسه اتحاد نموده متعهد شویم در بند نمودن در تجارت اسلحه از طریق مسقط چندان دشواری پیش نیارد ولی این امر در صورتی ممکن است که ما قوای خودمان را در آنجا تکمیل نمائیم.

§ بموجب راپورت قونسلات ۸۰۸۲۰ تنگ (دو سال ۹ - ۱۹۰۸ در مسقط وارد شده، از آنجمده ۴۳۲۸۰ آن از کارخانجات باجیک و ۲۵۶۰۰ آن از کارخانجات انگلستان است عقیده منس این است که اقدامات لازمه باید بشود که آنها در خلیج فارس بلکه در بنادر راجعه بمخودمان هم ننگرانی لازم است. و اگر ما فقط انتظام نواح مسقط را بنمائیم بعید نیست جلوگیری کامل ازین تجارت بکنیم.

§ دلی تلگراف چنین بیان میکند که تجارت اسلحه قاجاق و امتشاشات و نا امنی جنوبی ایران مارا بدو اقدام دعوت مینماید و این اقدامات باید از رویه نصفیه وصحت بشود. اول اینکه باید در دریای خلیج فارس انتظام پلیس دریائی و ازدیاد جہازات جنگی را پیش نمایند ولی چون مرکز این معاملات ایران شناخته شده موقتاً باید دخالت در جنوب هم نمود.

§ یکی از سیاسیون فرانسه در ضمن ملاقات خود با مخبر روتر بیان نموده که ممکن است بین انگلیس و فرانس مسئله اسلحه قاجاق در خلیج فارس بالمعاوضه نصفیه بیاید.

§ بموجب خبریکه از طهران رسیده چون موعد التیماتوییکه انگلیس بایران داده بود قریب الاختتام است. دولت ایران یادداشتی بدولت انگلیس پیش نموده اقداماتی که در رفع نگرانی و شکایات انگلیس است شده در خصوص امنیت شاهراه جنوب اظهار داشته است که امنیت کامله قائم گردیده - در این یادداشت دولت ایران ظاهر داشته است اضافه صده کمرکات جنوب را و امید کرده که دولت انگلیس هم منظور خواهد نمود.

در یاد داشت دولت انگلیس تدارکاتی که در این مدت شده از این قرار ظاهر داشته است (۱) تقرر يك حکومت لایقی برای فارس که

متقرب به مرکز ایالت خود وارد خواهد شد

(۲) خدمات پلیسی راه بوشهر و شیراز و کازرون را بصولت الدوله محول داشته و او نیز ۳۸۰ نفر را بطور پلیس معین کرده است ، و بموجب خبر موثق امنیت کامل در شاهراه کازرون برقرار است

(۳) دسته حاکم قشونی از سواره و پیاده از طهران بطرف شیراز فرستاده شده ، چنانچه ۷۰۰ نفر آنان با سه توپ از قم گذشته اند ، سه فوج دیگر از مقامات سائر در این اردو در اصفهان شمولیت خواهند نمود

(۴) حصه ممینی از آن قرضه که دولت محل نظر گرفته تعیین خواهد نمود برای ذخیره امنیت راه های جنوب بموجب پروگرامیکه ترتیب داده میشود (۵) علاوه بر افسرهای اروپائی که اینک در خدمت دولتند جمعی افسران قابل از خارجه استخدام خواهد شد که این هیئت تشکیل یک ژاندارمری صحیحی دهند ، دولت ایران یک پروگرامی ترتیب میدهد برای صرف نمودن وجوه استقراضی بمحل خود که آت بروگرام نیکوترین موقع را برای تصدیق دولت انگلیس در اضافه صدی ده کرکات جنوب خواهد داد

(۳۰ دسمبر - ۲۷ ذالجه)

وقایع نگار ضمن از طهران خبر یافته که دولت ایتالیا بملاحظه اعتراض دولتین روس و انگلیس که افسران ژاندارمری از دول بزرگ گرفته بشود انکار نموده است در قرض دادن افسر ایران ، و چنان معلوم می شود که اینگونه افسرها از جمهوری (سوید) طلب شود

(۳۱ دسمبر - ۲۸ ذالجه)

خبر روتر از پترسبرگ خبر میدهد که نتیجه ملاقات امپراطورین روس و آلمان این شده که عنقریب دولت روس رسماً اشاعت خواهد داد و تصدیق خواهد نمود حقوق تجارتی بین المللی را در ایران و قلیع نگار طمس از پترسبرگ خبر یافته است که دولت روس عنقریب جواب خواهد داد نوطه را که دولت آلمان در سال ۱۹۰۷ بدوای مشارالها پیش نموده بود ، علت تاخیر جواب این بوده که بعضی پیچیدگیها بین دولتین پیدا شده بود که نصفیه آنها در این ملاقات امپراطورین شده است ، در جواب نوطه آلمان دولت روس ظاهر خواهد نمود دو نکته مهمی را که در پورتسم تصفیه یافته است که

یکی از آنان قوت خواهد داد اتحادهای موجوده که بین دول اروپا برقرار است ، دوم قرار دادی خواهد بود بین دولتین روس و آلمان که هیچ يك ازین دو متحد بادولت ثانی برخلاف منافع یکدیگر در ایران و عثمانی نکرند ملت روسیه چنین است ایرادی بدولت خود نخواهند داشت که اگر برای برقراری صاحب اروپا از مصالح خود در صورتیکه منافع دیگران زیان رسان نباشد راه آمان ایران را تا خاتم برساند

حبل المتین

(مار زخمین را چه اندر آستین کردی بتوس)
(که طاقت هنگام فرصت را نخواهد کرد فوت)
طاقت روسیان پس از آن همه منافعیکه از اتحاد با انگلیس گرفته در پورتسم ممانعه با انگلیس را دفن نمودند ،

و همان میدان رقابت اولیه را در ایران بین خود و انگلیس فراهم کردند ، این است که دیده میشود بمجردیکه در (درجز) رئیس کرک کشته می شود در بندر (دیر) هم رئیس کرک را میکشند ولی بد محتاه ما چنان تصور میکنیم که اشرار خودمانی مرتکب این جنایات شده اند ، نمیدانیم حالا باد زخم جناب سر ادورد گری خورده و ملتفت سهو سیاسی خودشان شده اند یا خیر ؟ حرف این است که امروز ایرانیان را موقع باریک بود باریکتر گردیده یعنی خیلی باید سیاست و سیاست در مقابل رقبا به خرج دهند و خیلی باید درایت و دانش در جلب منافع خویش بکار برند ، نقشه پاتیک امروزه ایران نقشه دیروزی نیست مقتضیات سیاسی امروزه ایران غیر از دیروز است خیلی باید دقت نمود و امتیاز نفع و ضرر دادن در اتحاد و اتفاق با این رقبا خیلی دشوار است باز مکرر میکنیم که نقشه امروزه ایران غیر از دیروز است ، ایرانیان بخت نباید خوبتر را تسلیم یکی ازین رقبا بزرگ بنمایند ، ایرانیان بدانند که مقتضیات پلتیکی حیات استقلالیه رقابتی چندروزه برای آنان فراهم نمود یعنی بزرگترین اسباب نیک بختی و سعادت و حفظ استقلال را برای ایرانیان آماده ساخته هرگاه اندک دانش و سیاست بکار برده استقلال ابدی حاصل توأم نمود ورنه پس از خاتمه این رقابت که خیلی عمرش کوتاه است استقلال هم خاتمه خواهد پذیرفت

(جیل المتین کلکتہ)

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

HABIBUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

و لا حق الخذ ایزه بدون قبض ندارد و اولی (مشترکین را قبض محسوس سال هیچدم دست ندارد)
(ذمما شان بری شناخته نمیشود)

نامہ مقدمہ

(قیمت اشتراک)

(سالانہ — شش ماہ)

(هند و برمه)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

المتین

سنہ ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف ادارہ درج نمیشود)

(کلبہ امور ادارہ ما)

(مدیر کل مؤیدالاسلام است)

(ہر دو شنبہ طبع)

(ہر دو شنبہ نوریع میشود)

(ہر دو شنبہ)

(۷ محرم الحرام ۱۳۲۹ ہجری)

(مصادف با)

(۹ جنوری ۱۹۱۱ میلادی)

در این جریدہ از ہر گونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشار ادارہ آزادست)

بیداری مسلمانان یا اتحاد صمیمی

(فرق بیچ گانہ اسلام)

(ما بیچ برادریکہ از یک پشیم)

(در نیچہ روزگار بیچ اسکنتیم)

(چون فرد شویم در نظر ما علمیم)

(چون جمع شویم بر دہن ما مشتیم)

اعظم نیت بحق کہ در این دورہ نوریعت و تمدن شامل حال مسلمانان عالم گردیدہ ہما بیداری افراد اسلام و اطلاعتشان بر زیانات اختلاف و تمسک آنان بجیل المتین اتحاد است

مسلمانان کہ در قرون عدیدہ در بستر جہالت و بی خریدی غنودہ بودند عاقبت از فشار اجنبیان و سیل های اسلام کن منمدف ہایان کہ ببحر اسلام از چہار طرف سرایشب شدہ بیدار گردیدہ تمام متذکر بہ این آیات اند

(گشت پیغمبر کہ اندر سان عرش)

(خانہ نور این چنین بنمودہ نقش)

(ذلت اولاد آدم بیخلاف)

(زخلافست اختلافست اختلاف)

اختلافات فروسی فرقتہ خمسہ مسلمانان در این قرون اخیرہ کار را بجان کشانیدہ کہ وقبای اسلامی در محو اصول اسلام عقد یک جہق بستہ دست اتحاد بیک دیگر دادند ، دشمنان

اسلامیت کہ از بعد جنگ صلیب بانطرف دربرود روح نما و نحو اسلام و قویہ استقلالیہ او را مضحل میساختند و نصب را در لباس تمدن محض بی گم کردن ، مسلمانان ماسی دیگر تقیب نمودہ و نتائج آن کہ اضمحلال اسلام و قوت دیانت خویش باشد پیروی می نمودند ، چون باضمحلال مسلمانان ایقان داشتند متدرجاً مقاصد خود را از پیش می بردند ، ولی درین چہرہ سالہ مشروطیت دولتیین علیتین اسلامیین ایران و عثمانی نسیم فرح بخش آزادی مسلمانان را بچیش و حرکات بی داراہ واداشتہ ، باد زخم دشمنان اسلام محورودہ دانستند کہ اگر چندی بدین منوال گذرد و مسلمانان از خواب غفلت چندین قرن گذشتہ خود بیدار شوند نہ تنها نقشہ های قرون سابقہ دشمنان اسلام عاقل خواہد شد بلکہ ایقان نمودند کہ اگر کاملاً مسلمانان هوای حیات بخش آزادی را استشاق نمایند بزرگترین مانع و رقیب برای آنان پیدا خواہد گردید ، این بود کہ چہار اسبہ باعتلاف و اتعاقات گوناگون برداختہ ازیک طرف بتقسیم ممالک اسلامیہ و از طرف دیگر در فراہم نمودن اسباب اختلال و تقار بین مسلمانان را فراہم کردند و از ہر طرف آتش اختلاف دامن زن گردید ، ولی نہ تنها در این مقصود خویش ناکام شدہ بلکہ حرکات آنان

